

# آزادی ایران ۱

بهاء: ۵ فرانک

آزادیخواهان ایران متحد شوید

۱۳۶۳ آذر ۲۲ نوامبر ۱۹۸۴

## وظیفه آزادیخواهان ایران چیست؟

۱. ایران به کدام سو می‌رود؟ جمشید آریانی‌پور

ششمین سالی است که از سلطه رژیم جمهوری اسلامی بر میهن ما می‌گذرد و برخلاف پیش‌گوئیه‌ها و پیش‌داوری‌های گوناگون هنگامیکه یک جنبش متشکل سراسری، بزرگ، آزادیخواهانه و ملی در ایران موجود نیست، رژیم با وجود تمام مشکلاتی که با آن روبروست بحیات خود ادامه می‌دهد. براساس سرنوشت ایران چه خواهد شد؟ ایران بکدام سو می‌رود؟ اینها سوالاتی است که اکثر هم‌میمنان ما در اولین لحظات دیدار بانگرانی مطرح می‌کنند. در این میان بسیاری هم که همواره منتظرند دستی از غیب فرارسد و یا رژیم خود بخود سرنگون گردد، با دیدن واقعیت‌های تلخ کنونی روز بروز مایوس‌تر شده، زانوی غم در بر گرفته و اغلب می‌گویند: "از دست ما که کاری برنی‌آید، قدرتهای بزرگ هستند بقیه در صفحه ۴"

## پیرامون جنگ ایران و عراق

کشته‌ها و مجروحین نیروهای رژیم اسلامی ۲۰۰۰ نفر زکشته‌هاست. در طی ماه‌های گذشته رهبران رژیم خمینی یا رها اعلام کرده‌اند: "قدرت نظامی ما آنچنان است که می‌توانیم هر جا بخواهیم عملیات داشته باشیم. منتها به دلایلی آنرا به تاخیر انداختیم." (رفسنجانی ۱ مه ۱۳۶۳ روزنامه کیهان) اما همگان میدانیم که یکی از مهمترین بقیه در صفحه ۳

آرامش موقتی که در چندین ماه گذشته رجبیه‌های جنگ ایران و عراق حاکم بود، در آخرین ساعات شب ۲۵ مهر ۱۳۶۳ با حمله نیروهای رژیم جمهوری اسلامی برای بازپس گرفتن ارتفاعات مرزی در منطقه میمک شکسته شد. بنابراین گزارش‌های مطبوعات رژیم جمهوری اسلامی در این عملیات بیش از ۳۶۰ تن کشته و زخمی شدند و بنابراین اظهارات رژیم عراق تلفات

## "آزادی ایران"

## و سخنی با خوانندگان

رویدادهای چند سال اخیر تاریخ پر از فرازونشیب ایران در سبب بی‌تسلخ ولی‌گرا نبهائی برای مردم مستمندیده و دردمندان بهمراه داشته‌است. آنان با اندوهی بزرگ و جانکاه فرا گرفته‌اند که تفکر و خرد خود را باید - نه بر اساس شعوریه‌های میان‌تهی و اغراق‌گوئیه‌ها - بلکه بر پایه واقعیت‌های ملموس و غیر قابل انکار جامعه ایران قرار دهند.

این واقعیت‌های تلخ کدامند که بسیاری از ایرانیان خارج از کشور قادر به دیدن آنها نیستند؟ این واقعیت‌ها اینست که رژیم اسلامی با تمام مشکلات و تضادهای گوناگونی که از همان ابتدای بوجود آمدنش با آن روبرو بوده در طی ۶ سال گذشته با مهارت خاصی توانسته‌است روز بروز حاکمیت خویش را بر میهن ماتقویت کند. رژیم با بهره‌برداری از پدیده‌های بسیاری چون "صدور انقلاب اسلامی" و "جنگ ایران و عراق" به سرکوب و کشتار هزاران تن از بهترین فرزندان برومند ایران پرداخته و توانسته‌است با درهم کوبیدن کلیه بقیه در صفحه ۲

## “آزادی ایران” و ...

سازمانها، گروهها و افراد آزاد بخواه، ملی و مترقی جنگ کردستان را بمردم قهرمان کرد تحمیل کند و با ایجاد خفقتانی بی نظیر در تاریخ معاصر ایران زندانها را از مبارزین آزاد بخواه پر کرد و هوای ایران را به یک زندان بزرگ تبدیل نماید.

واقعیتها چیست؟ واقعیتها در شرایط کنونی اینست که اگر بخوایم تنها حقیقت را بگوئیم و گزافه گوئسی و اغراق نکنیم باید با کمال صراحت ابراز کرد که: در مقابل رژیم ضد مکرآتیک و فاشیستی جمهوری اسلامی هیچ جنبش و مبارزه سراسری، متشکل و متحدی که از حمایت وسیع مردم ایران برخوردار باشد و بتواند مبارزات مکرآتیک و آزاد بخواه را رهبری کند، وجود ندارد. اکثر قریب باتفاق ایرانیان آزاد بخواه و مترقی از نبودن یک جریان و تشکل واقعا در مکرآتیک که بتواند عملا در مکراسی راد درون روابط سازمانی - تشکیلاتی پیاده کند، شکوه میکنند و بیان میدارند که “به بن بست رسیده ایم”. آنکسانی هم که با امید فراوان به برخی از سازمانها و گروههایی که در راه سرنگونی رژیم مبارزه میکنند، دل بسته بودند، به آرامی بی میبند که به یکی از اصول مهم و اساسی رشد یک مبارزه برحق عادلانه یعنی در مکراسی ارج گذاشته نمیشود و میگویند “اگر ما نتوانیم روابط مکرآتیک را در درون خود اجرا کنیم چگونه میتوانیم فردا این در مکراسی راد را بران بوجود آوریم؟” البته با توجه به تحولات و تغییرات اخیر که در بین نیروهای مبارز و مخالف رژیم رخ داده است و با نمونه‌های از آن در مورد آقای پرویز

یعقوبی روبرو هستیم، ما پس از بحث و گفتگوی فراوان به این نتیجه رسیده‌ایم که چون نتوانستیم در راه تشکّل و سازندگی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بر پایه روابط مکرآتیک و آزاد بخواهانه نظریات و عقاید خود را مطرح کنیم و یا اینکه مواجه با فشارهای زیاد و غیر مکرآتیک و عادلانه‌ای گردیده ایم، تصمیم گرفتیم با ایجاد نشریه “آزادی ایران” براه خویش ادامه دهیم. البته ما ادعا نمیکیم که جوابحل تمام مشکلات روزافزون راد درست داریم و یا تنها آلترناتیو هستیم و یا خواهیم شد. و ادعا هم نداریم که بتوانیم بتنهائی در شرایط کنونی بن بست موجود را از میان برداریم. ما میدانیم که حل مشکلات فراوان موجودی که جنبش مکرآتیک خارج از کشور با آن روبرو است در گرو تلاش، تشکل و همبستگی کلیه نیروهای آزاد بخواه، ملی و مترقی است و همچنین میدانیم که هیچ سازمان، گروه یا فردی نمیتواند بتنهائی از عمده حل مشکلات پیشمار کنونی برآید. نشریه “آزادی ایران” برای آزادی ایران باتکیه بر اصول زیرمضم است که در راه رشد مبارزات مکرآتیک بتواند به وظایف خطیر خود جامه عمل بپوشاند:

### ۱ - رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران

رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران است. این امر در شرایط کنونی تضاد عمده و اصلی جامعه ایران را تشکیل داده، به طوری که هر تضاد دیگری را بصورت تضاد غیر عمده و فرعی تبدیل میکند. بهمین دلیل ما باید تمام هم خود را معطوف به مبارزه با این دشمن اصلی و عمده بنمائیم و بکوشیم با “چپ رویها” و

راست رویهای که متاسفانه رژیم جمهوری اسلامی را بعنوان دشمن فرعی و غیر عمده مطرح میکند و بعلت عدم واقع بینی و شناخت علمی از جامعه ایران گاهی برخی از کشورهای همسایه و خارجی را دشمن اصلی قلمداد مینماید، و بدین ترتیب در دام توطئه‌های ایدئولوژیک رژیم میافتد، مبارزه کنیم.

### ۲ - مبارزه برای در مکراسی

نشریه “آزادی ایران” با اعتقاد به پیروی از اصول مکرآتیک در عمل و نه در شعار، مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی را جد از مبارزه برای در مکراسی نمیداند. این بدین معنی است که مبارزه بر علیه رژیم و مبارزه برای در مکراسی لازم و ملزوم یکدیگرند و بدون یکی دیگری ارزش خود را از دست میدهد. ما با احترام گذاردن به نظریات و عقاید مختلف کلیه آزاد بخواهان ایران اعتقاد داریم که تنها از طریق برخورد آزا و افکار و عقاید گوناگون در یک جود مکرآتیک است که حقیقت عیان میشود و تفکر صحیح و علمی راه خود را می‌گشاید. بنابراین نشریه “آزادی ایران” محلی برای برخورد آزا و عقاید در زمینه‌های گوناگون خواهد بود و کوشش میشود که از هر نوع سانسور نظریات و عقاید حتی اگر نشریه “آزادی ایران” هم با آن موافق نباشد، جلوگیری کند.

### ۳ - جدائی مذهب از سیاست

ما معتقد هستیم که مذهب باید از سیاست جدا باشد. هرگونه کوشش برای ادغام سیاست و مذهب خواهی نخواهی در خدمت سیاستهای ضد مکرآتیک قرار خواهد گرفت و بمبارزات مکرآتیک بقیه در صفحه ۳

## “آزادی ایران” و ...

سازمانها، گروهها و افراد آزاد بخواه، ملی و مترقی جنگ کردستان را بمردم قهرمان کرد تحمیل کند و با ایجاد خفقتانی بی نظیر در تاریخ معاصر ایران زندانها را از مبارزین آزاد بخواه پر کرد و هوای ایران را به یک زندان بزرگ تبدیل نماید.

واقعیتها چیست؟ واقعیتها در شرایط کنونی اینست که اگر بخوایم تنها حقیقت را بگوئیم و گزافه گوئسی و اغراق نکنیم باید با کمال صراحت ابراز کرد که: در مقابل رژیم ضد مکرآتیک و فاشیستی جمهوری اسلامی هیچ جنبش و مبارزه سراسری، متشکل و متحدی که از حمایت وسیع مردم ایران برخوردار باشد و بتواند مبارزات مکرآتیک و آزاد بخواه را رهبری کند، وجود ندارد. اکثر قریب باتفاق ایرانیان آزاد بخواه و مترقی از نبودن یک جریان و تشکل واقعا در مکرآتیک که بتواند عملا در مکراسی راد درون روابط سازمانی - تشکیلاتی پیاده کند، شکوه میکنند و بیان میدارند که “به بن بست رسیده ایم”. آنکسانی هم که با امید فراوان به برخی از سازمانها و گروههایی که در راه سرنگونی رژیم مبارزه میکنند، دل بسته بودند، به آرامی بی میبند که به یکی از اصول مهم و اساسی رشد یک مبارزه برحق عادلانه یعنی در مکراسی ارج گذاشته نمیشود و میگویند “اگر ما نتوانیم روابط مکرآتیک را در درون خود اجرا کنیم چگونه میتوانیم فردا این مکراسی راد را بران بوجود آوریم؟” البته با توجه به تحولات و تغییرات اخیر که در بین نیروهای مبارز و مخالف رژیم رخ داده است و با نمونه‌های از آن در مورد آقای پرویز

یعقوبی روبرو هستیم، ما پس از بحث و گفتگوی فراوان به این نتیجه رسیده‌ایم که چون نتوانستیم در راه تشکّل و سازندگی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بر پایه روابط مکرآتیک و آزاد بخواهانه نظریات و عقاید خود را مطرح کنیم و یا اینکه مواجه با فشارهای زیاد و غیر مکرآتیک و ناعادلانه‌ای گردیده ایم، تصمیم گرفتیم با ایجاد نشریه “آزادی ایران” براه خویش ادامه دهیم. البته ما ادعا نمیکیم که جوابحل تمام مشکلات روزافزون راد درست داریم و یا تنها آلترناتیو هستیم و یا خواهیم شد. و ادعا هم نداریم که بتوانیم بتنهایی در شرایط کنونی بن بست موجود را از میان برداریم. ما میدانیم که حل مشکلات فراوان موجودی که جنبش مکرآتیک خارج از کشور با آن روبرو است در گرو تلاش، تشکل و همبستگی کلیه نیروهای آزاد بخواه، ملی و مترقی است و همچنین میدانیم که هیچ سازمان، گروه یا فردی نمیتواند بتنهایی از عمده حل مشکلات پیشمار کنونی برآید. نشریه “آزادی ایران” برای آزادی ایران باتکیه بر اصول زیرمضم است که در راه رشد مبارزات مکرآتیک بتواند به وظایف خطیر خود جامه عمل بپوشاند:

### ۱ - رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران

رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران است. این امر در شرایط کنونی تضاد عمده و اصلی جامعه ایران را تشکیل داده، به طوری که هر تضاد دیگری را بصورت تضاد غیر عمده و فرعی تبدیل میکند. بهمین دلیل ما باید تمام هم خود را معطوف به مبارزه با این دشمن اصلی و عمده بنمائیم و بکوشیم با “چپ رویها” و

راست رویهای که متاسفانه رژیم جمهوری اسلامی را بعنوان دشمن فرعی و غیر عمده مطرح میکند و بعلمت عدم واقع بینی و شناخت علمی از جامعه ایران گاهی برخی از کشورهای همسایه و خارجی را دشمن اصلی قلمداد مینماید، و بدین ترتیب در دام توطئه‌های ایدئولوژیک رژیم میافتد، مبارزه کنیم.

### ۲ - مبارزه برای مکراسی

نشریه “آزادی ایران” با اعتقاد به پیروی از اصول مکرآتیک در عمل و نه در شعار، مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی را جد از مبارزه برای مکراسی نمیداند. این بدین معنی است که مبارزه بر علیه رژیم و مبارزه برای مکراسی لازم و ملزوم یکدیگرند و بدون یکی دیگری ارزش خود را از دست میدهد. ما با احترام گذاردن به نظریات و عقاید مختلف کلیه آزاد بخواهان ایران اعتقاد داریم که تنها از طریق برخورد آزا و افکار و عقاید گوناگون در یک جود مکرآتیک است که حقیقت عیان میشود و تفکر صحیح و علمی راه خود را می‌گشاید. بنابراین نشریه “آزادی ایران” محلی برای برخورد آزا و عقاید در زمینه‌های گوناگون خواهد بود و کوشش میشود که از هر نوع سانسور نظریات و عقاید حتی اگر نشریه “آزادی ایران” هم با آن موافق نباشد، جلوگیری کند.

### ۳ - جدائی مذهب از سیاست

ما معتقد هستیم که مذهب باید از سیاست جدا باشد. هرگونه کوشش برای ادغام سیاست و مذهب خواهی نخواهی در خدمت سیاستهای ضد مکرآتیک قرار خواهد گرفت و بمبارزات مکرآتیک بقیه در صفحه ۳

## ”آزادی ایران“ و ...

برای آزادی ایران لطمه وارد خواهد کرد. ”خوشبختانه“ ما بایک نمونه برجسته منفی در این مورد روبرو هستیم و آنهم طبقاتی جلوه دادن مذهب و متا- فیزیک تحت لوای ”اسلام انقلابی“ و ”اسلام ارتجاعی“ و ادغام مذهب در سیاست و دولت از طرف رژیم جمهوری اسلامی است. ما مذهب را تریاک مردم میدانیم. حقانیت این گفته پرارزش با دیدن واقعیت‌های ایران بیش از پیش ثابت میشود. در عین حال ما برعلیه مذهب اعلام جنگ نمیکیم و مذهب را یک امر شخصی میدانیم.

### ۴- پایان جنگ ایران و عراق و ایجاد صلح

برخلاف رژیم جمهوری اسلامی که مسئله اصلی مردم ایران را ”جنگ میهنی“ برای نجات ”میهن اسلامی“ میدانند و بدینوسیله توانسته است تضادها و مشکلات در روبرو تحت الشعاع قرار دهد، ملت ایران خواهان پایان یافتن هر چه سریعتر جنگ است. ما جنگ ایران و عراق را محکوم کرده و سیاست‌های تجاوزه کارانه رژیم جمهوری اسلامی و دخالت در امور داخلی کشور- های همسایه را در جهت ”صدور انقلاب اسلامی“ محکوم میکنیم.

### ۵- وحدت کلیه نیروهای آزاد یخواه

ما در عین حالی که از مبارزات کلیه نیروهای آزاد یخواه، د مکرراتیک و ملی که بر علیه رژیم جمهوری اسلامی می‌جنگند صمیمانه دفاع میکنیم، حول واقعیت‌های ایران و اصول د مکرراتیک در جهت شکل و همبستگی بین کلیه آزاد یخواهان و نیروهای آگاه، مترقی و د مکرراتیک خواهیم

کوشید. در عین حال وظیفه خود میدانیم که با انتقادات سازنده و دوستانه اشکالات و پر خوردهای اشتباه آمیز را - که به مسئله عمده و اساسی مردم ایران یعنی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی خلل وارد کرده و امر د مکرراتیک را جریحه- دار مینماید - بطور روشن مطرح کنیم و در حل آنان بکوشیم.

### ۶- دفاع از حقوق بشر و آزادی کلیه

#### زندانیان سیاسی

هم اکنون دهها هزار تن از آزادی خواهان ایران در زندانهای رژیم در سخت ترین شرایط غیر انسانی تحت شکنجه‌های شدید روحی و جسمی قرار دارند. ما با طرفداری از حقوق بشر در ایران و محکوم کردن اعمال ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی در ایران هستیم. ما دفاع از حقوق بشر و د مکرراتیک تمام مردم ایران بدو از روابط طبقاتی، عقیدتی، قومی، مذهبی، اجتماعی و جنسی دفاع خواهیم کرد.

#### خواننده عزیز:

نشریه ”آزادی ایران“ برای اصول و اهداف فوق تلاش خواهد کرد، ما امید داریم بتوانیم بسم خود برای رشد د مکرراتیک، با بسیاری تمام نیروها و افراد و شخصیت‌های د مکرراتیک، آزاد یخواه و ملی دین خود را نسبت به مردم ایران ادا نمائیم. ما دست یاری را بسوی کلیه آزاد یخواهان و آزاد گانی که برای بازگشت به ایرانی آزاد و د مکرراتیک تلاش میکنند، دراز میکنیم.



## پیرامون جنگ ...

د لایحی به تصویق افتادن حمله بزرگ رژیم جمهوری اسلامی نبودن امکانات کافی و نیروی عظیم انسانی از نوع مواج انسانی برای انجام این چنین عملیاتی می باشد. در غیر این صورت اگر رژیم خمینی توانایی و امکانات آن را داشت که بایک حمله بزرگ پیروزی در خور توجهی کسب کند حتما تا بحال دست به چنین عملیاتی میزد و این ادعای رهبران رژیم که ما از هر نظر آماده هستیم، در شرایط فعلی سخنی واهی بیش نیست. رژیم جمهوری اسلامی پس از تحمل شدن تلفات بیشمار در آخرین حمله بزرگ خود (عملیات والفجر ۶) نتوانسته است هنوز نیروی انسانی لازم و کافی را برای انجام یک حمله بزرگ دیگر که مرتباً از آن سخن میگوید جمع آوری و منسجم کند. در اوایل جنگ رژیم خمینی توانست با تبلیغات وسیع و استفاده از جوخه فغان تا حدی از توهم مردم سوء استفاده نمود و پسیناری از سرمایه‌های انسانی را برای حفظ و بقای خود به کام مرگ بفرستد. در آن هنگام بسیاری از هموطنان مانع ملت حفظ ”جمهوری اسلامی“ و ”صدور انقلاب اسلامی“ بلکه بدلیل حس وطن پرستی و دفاع از ایران عازم جبهه‌های جنگ گشتند اما خیلی زود حقایق بی شمار به آنان ثابت نمود که این جنگ، جنگ برحق و عادلانه‌ای نیست و رفتن به جبهه‌ها نه دفاع از ایران بلکه در جهت تثبیت رژیم جمهوری اسلامی محسوب میگردد. آنها دریافتند که جنگ عادلانه میبایست بر علیه دشمن اصلی یعنی رژیم جمهوری اسلامی معطوف شود. جنگ عادلانه، جنگ مردم قهرمان کردستان بر علیه رژیم خمینی است که با وجود کشتار وحشیانه، تحریم اقتصادی،

## ”آزادی ایران“ و ...

برای آزادی ایران لطمه وارد خواهد کرد. ”خوشبختانه“ ما بایک نمونه برجسته منفی در این مورد روبرو هستیم و آنهم طبقاتی جلوه دادن مذهب و متا- فیزیک تحت لوای ”اسلام انقلابی“ و ”اسلام ارتجاعی“ و ادغام مذهب در سیاست و دولت از طرف رژیم جمهوری اسلامی است. ما مذهب را تریاک مردم میدانیم. حقانیت این گفته پرارزش با دیدن واقعیتهای ایران بیش از پیش ثابت میشود. در عین حال ما برعلیه مذهب اعلام جنگ نمیکیم و مذهب را یک امر شخصی میدانیم.

### ۴- پایان جنگ ایران و عراق و ایجاد صلح

برخلاف رژیم جمهوری اسلامی که مسئله اصلی مردم ایران را ”جنگ میهنی“ برای نجات ”میهن اسلامی“ میدانند و بدینوسیله توانسته است تضادها و مشکلات در روبرو تحت الشعاع قرار دهد، ملت ایران خواهان پایان یافتن هر چه سریعتر جنگ است. ما جنگ ایران و عراق را محکوم کرده و سیاستهای تجاوزه کارانه رژیم جمهوری اسلامی و دخالت در امور داخلی کشور - های همسایه را در جهت ”صدور انقلاب اسلامی“ محکوم میکنیم.

### ۵- وحدت کلیه نیروهای آزاد یخواه

ما در عین حالی که از مبارزات کلیه نیروهای آزاد یخواه، د مکرراتیک و ملی که بر علیه رژیم جمهوری اسلامی میجنگند صمیمانه دفاع میکنیم، حول واقعیتهای ایران و اصول د مکرراتیک در جهت شکل و همبستگی بین کلیه آزاد یخواهان و نیروهای آگاه، مترقی و د مکرراتیک خواهیم

کوشید. در عین حال وظیفه خود میدانیم که با انتقادات سازنده و دوستانه اشکالات و پر خوردهای اشتباه آمیز را - که به مسئله عمده و اساسی مردم ایران یعنی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی خلل وارد کرده و امر د مکرراتیک را جریحه دار مینماید - بطور روشن مطرح کنیم و در حل آنان بکوشیم.

### ۶- دفاع از حقوق بشر و آزادی کلیه

#### زندانیان سیاسی

هم اکنون دهها هزار تن از آزادی خواهان ایران در زندانهای رژیم در سخت ترین شرایط غیر انسانی تحت شکنجههای شدید روحی و جسمی قرار دارند. ما با طرفداری از حقوق بشر در ایران و محکوم کردن اعمال ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی در ایران هستیم. ما دفاع از حقوق بشر و د مکرراتیک تمام مردم ایران بدو از روابط طبقاتی، عقیدتی، قومی، مذهبی، اجتماعی و جنسی دفاع خواهیم کرد.

#### خواننده عزیز:

نشریه ”آزادی ایران“ برای اصول و اهداف فوق تلاش خواهد کرد، ما امید داریم بتوانیم بسم خود برای رشد د مکرراتیک، با بسیاری تمام نیروها و افراد و شخصیتهای د مکرراتیک، آزاد یخواه و ملی دین خود را نسبت به مردم ایران ادا نمائیم. ما دست یاری را بسوی کلیه آزاد یخواهان و آزاد گانی که برای بازگشت به ایرانی آزاد و د مکرراتیک تلاش میکنند، دراز میکنیم.



## پیرامون جنگ ...

د لایحی به تصویب افتادن حمله بزرگ رژیم جمهوری اسلامی نبودن امکانات کافی و نیروی عظیم انسانی از نوع مواج انسانی برای انجام این چنین عملیاتی می باشد. در غیر این صورت اگر رژیم خمینی توانایی و امکانات آن را داشت که بایک حمله بزرگ پیروزی در خور توجهی کسب کند حتما تا بحال دست به چنین عملیاتی میزد و این ادعای رهبران رژیم که ما از هر نظر آماده هستیم، در شرایط فعلی سخنی واهی بیش نیست. رژیم جمهوری اسلامی پس از تحمل شدن تلفات بیشمار در آخرین حمله بزرگ خود (عملیات والفجر ۶) نتوانسته است هنوز نیروی انسانی لازم و کافی را برای انجام یک حمله بزرگ دیگر که مرتباً از آن سخن میگوید جمع آوری و منسجم کند. در اوایل جنگ رژیم خمینی توانست با تبلیغات وسیع و استفاده از جوخه فغان تا حدی از توهم مردم سوء استفاده نمود و پسیناری از سرمایه های انسانی را برای حفظ و بقای خود به کام مرگ بفرستد. در آن هنگام بسیاری از هموطنان مانع ملت حفظ ”جمهوری اسلامی“ و ”صدور انقلاب اسلامی“ بلکه بدلیل حس وطن پرستی و دفاع از ایران عازم جبهه های جنگ گشتند اما خیلی زود حقایق بی شمار به آنان ثابت نمود که این جنگ، جنگ برحق و عادلانه ای نیست و رفتن به جبهه ها نه دفاع از ایران بلکه در جهت تثبیت رژیم جمهوری اسلامی محسوب میگردد. آنها دریافتند که جنگ عادلانه میبایست بر علیه دشمن اصلی یعنی رژیم جمهوری اسلامی معطوف شود. جنگ عادلانه، جنگ مردم قهرمان کردستان بر علیه رژیم خمینی است که با وجود کشتار وحشیانه، تحریم اقتصادی،

## ♦♦♦ وظیفه آزاد ی خواهان

که سرنوشت ایران را بر حسب منافع و مقاصد خود تعیین میکنند. و برخی دیگر مانند بسیاری از رهبران و روشنفکران اپوزیسیون تنها چشم امید به قدرتهای بزرگ خارجی دوخته و دل درگرو "تجزیه و تحلیلها" و روابط پنهانی آنان بسته اند و مترصدند تا بدین ترتیب بتوانند گره های کور و پیچیده جامعه ما را باز کرد و ملت ایران را بایک "گود تایی سریع نظامی" و بیون خونریزی و یا تغییرات و تحولاتی از بالا، از چنگال فاشیسم مذهبی نجات داد و آزادی را برایشان به ارمغان آورند. نکته ای که قابل توجه میباشد، اینست که این "سیاستمداران" و نویسندگان خارجی اکنون تقریباً همگی به ضعفها و اشتباهات فراوان خود در مورد عدم شناخت از شرایط ویژه ایران پی برده و بدرستی و بارها خاطر نشان نموده اند که مسایل ایران راهگزرک نکرده و هیچوجه نه توانسته اند شناخت صحیحی از اوضاع بفرنج و پیچیده ایران ارائه دهند. بطوریکه آقای ویلیام سالیوان (۱) سفیر سابق آمریکا در ایران در مقدمه کتاب "ماموریت در ایران" میگوید:

"ولی آنچه یزی که آخرین ماموریت مرا از ماموریت های پیشین متمایز میسازد عدم توانائی من در تاثیر اساسی و اعمال نفوذ در محل ماموریتم در تعیین خط مشی سیاسی واشنگتن بود. من تاکنون همه دلایل و عواملی که موجب شکست سیاسی آمریکا در ایران شده است را درک نکردم." (۲)

و یاد بخش ۲۱ کتاب میگوید:

"شاه بزودی درک نمود که آمریکا نه تنها طرح و برنامه ای ندارد، بلکه فاقد یک سیاست مشخص و حساب شده ای در ایران است. سیاست ما در ایران حاکی از خوش خیالی و ذهنیکری برخی رهبران آمریکا بود." (۳)

کفتار صریح فوق بدرستی خاطر نشان میسازد که "سیاستمداران" و "تحلیلگران" خارجی با دارا بودن از امکانات وسیع سازماندهی عریض و طویل تحقیقاتی و جاسوسی قادر نبودند حتی بطور نسبی هم که شده واقعیت های ایران را درک کنند. سوالی که مطرح میشود اینست که آیا واقعاً میتوان از "تحلیلگران" و "سیاستمداران" خارجی انتظار داشت که از دور درباره اوضاع کشوری که دارای تضادهای بیشمار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی است نظرات و صحیحی ارائه دهند؟ وقایع اخیر چند ساله ایران نشان میدهد که اکثر قریب به اتفاق ارزیابی های "تحلیل

گران" خارجی اشتباه آمیز بود و آنان نمیتوانسته و نه خواهند توانست اوضاع و شرایط ویژه ایران را مورد ارزیابی صحیح قرار دهند. گوا اینکه موقعیت ژئوپولیتیک و استراتژیک ایران بگونه ای است که تنها با بررسی صحیح و واقع بینانه از واقعیت های ایران و منطقه و اقدامات لازم میتوان از بروز یک فاجعه بین المللی جلوگیری کرد.

### ۲- آزاد ی خواهان ایران کیستند و چه نقشی را بر عهده دارند؟

باید یاد آور شد تا هنگامیکه آن شعوری صحیح و علمی که منطبق بر واقعیت های جامعه ایران باشد تدوین نگردد، تا بوسیله آن راه مبارزات متشکل و گسترده کنونی روشن شود، امکان پذیر نیست که رژیم جمهوری اسلامی سرنگون شده و آزادی و دموکراسی در ایران مستقر گردد. در هنگامیکه در درون اپوزیسیون نفاق، پراکندگی، چند دستگی در بالاترین حد خود بصورت گروهها و نشریات مختلف متبلور گردیده و برخی خود را بعنوان "تنها آلترناتیو" مطرح کرده اند و سردرگمی و اغتشاشات بیشمار ایدئولوژیک و موضع گیریهای متضاد و غلط همه جا سایه افکنده، چگونه بسنجیم که حق با کیست و آزادی خواه کدام است؟ چگونه میتوان صف آزاد ی خواهان واقعی را از صف فرصت طلبان، عوام فریبان، متعلقین سیاسی و عاملین نفوذی خارجی تشخیص داد؟ امروز در حالیکه همگان خود را آزاد ی خواه و معتقد میدانند و خوشبختانه "شعور سینه های" بسیاری هم داریم چه کسانی میتوانند و باید مسئولیت خطیر تجزیه و تحلیل و بررسی دقیق شرایط بفرنج و پیچیده های ایران را بدهد و رازانشاء نویسی و فلسفه های ذهنی، متظاهرانه و عوام فریبانه روشنفکران قلابی - بعهده گیرند؟ براستی اینان کیستند؟ اینان همان کسانی هستند که عشق به راستی، آزادی و دانائی دارند و همواره در جستجوی حقیقت بوده و حاضرند بازیرا گذاردن منافع شخصی خویش در راه آزادی و استقلال ایران با تمام نیرو مبارزه کنند. آنان مانند تمام آزاد ی خواهان ایران هرگز از فدا کردن جان خود در راه آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی دریغ نداشته و آزاد ی خواهی رانه در شعار بلکه در عمل از طریق مبارزات دموکراتیک امکان پذیر میدانند. آنان در شرایط مشخص و

## ♦♦♦ وظیفه آزاد یخواهان

کهنروش ایران را بر حسب منافع و مقاصد خود تعیین میکنند. و برخی دیگر مانند بسیاری از رهبران و روشنفکران اپوزیسیون تنها چشم امید به قدرتهای بزرگ خارجی دوخته و دل درگرو "تجزیه و تحلیلها" و روابط پنهانی آنان بسته اند و مترصدند تا بدین ترتیب بتوانند گره های کور و پیچیده جامعه ما را باز کرد و ملت ایران را بایک "گود تایی سریع نظامی" و بیون خونریزی و یا تغییرات و تحولاتی از بالا، از چنگال فاشیسم مذهبی نجات داد و آزادی را برایشان به ارمغان آورند. نکته ای که قابل توجه میباشد، اینست که این "سیاستمداران" و نویسندگان خارجی اکنون تقریباً همگی به ضعفها و اشتباهات فراوان خود در مورد عدم شناخت از شرایط ویژه ایران پی برده و بدرستی و بارها خاطر نشان نموده اند که مسایل ایران راهگزرک نکرده و هیچوجه نه توانسته اند شناخت صحیحی از اوضاع بفرنج و پیچیده ایران ارائه دهند. بطوریکه آقای ویلیام سالیوان (۱) سفیر سابق آمریکا در ایران در مقدمه کتاب "ماموریت در ایران" میگوید:

"ولی آنچه یزی که آخرین ماموریت مرا از ماموریت های پیشین متمایز میسازد عدم توانائی من در تاثیر اساسی و اعمال نفوذ در محل ماموریتم در تعیین خط مشی سیاسی واشنگتن بود. من تاکنون همه دلایل و عواملی که موجب شکست سیاسی آمریکا در ایران شده است را درک نکردم." (۲)

و یاد بخش ۲۱ کتاب میگوید:

"شاه بزودی درک نمود که آمریکا نه تنها طرح و برنامه ای ندارد، بلکه فاقد یک سیاست مشخص و حساب شده ای در ایران است. سیاست ما در ایران حاکی از خوش خیالی و ذهنیکری برخی رهبران آمریکا بود." (۳)

کفتار صریح فوق بدرستی خاطر نشان میسازد که "سیاستمداران" و "تحلیلگران" خارجی با دارا بودن از امکانات وسیع سازماندهی عریض و طویل تحقیقاتی و جاسوسی قادر نبودند حتی بطور نسبی هم که شده واقعیت های ایران را درک کنند. سوالی که مطرح میشود اینست که آیا واقعاً میتوان از "تحلیلگران" و "سیاستمداران" خارجی انتظار داشت که از دور درباره اوضاع کشوری که دارای تضادهای بیشمار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی است نظرات و صحیحی ارائه دهند؟ وقایع اخیر چند ساله ایران نشان میدهد که اکثر قریب به اتفاق ارزیابی های "تحلیل

گران" خارجی اشتباه آمیز بود و آنان نمیتوانسته و نه خواهند توانست اوضاع و شرایط ویژه ایران را مورد ارزیابی صحیح قرار دهند. گوا اینکه موقعیت ژئوپولیتیک و استراتژیک ایران بگونه ای است که تنها با بررسی صحیح و واقع بینانه از واقعیت های ایران و منطقه و اقدامات لازم میتوان از بروز یک فاجعه بین المللی جلوگیری کرد.

### ۲- آزاد یخواهان ایران کیستند و چه نقشی را بر عهده دارند؟

باید یاد آور شد تا هنگامیکه آن شعوری صحیح و علمی که منطبق بر واقعیت های جامعه ایران باشد تدوین نگردد، تا بوسیله آن راه مبارزات متشکل و گسترده کنونی روشن شود، امکان پذیر نیست که رژیم جمهوری اسلامی سرنگون شده و آزادی و دموکراسی در ایران مستقر گردد. در هنگامیکه در درون اپوزیسیون نفاق، پراکندگی، چند دستگی در بالاترین حد خود بصورت گروهها و نشریات مختلف متبلور گردیده و برخی خود را بعنوان "تنها آلترناتیو" مطرح کرده اند و سردرگمی و اغتشاشات بیشمار را بدلیل غلو و زیاده و موضع گیریهای متضاد و غلط همه جا سایه افکنده، چگونه بسنجیم که حق با کیست و آزادی خواه کدام است؟ چگونه میتوان صف آزاد یخواهان واقعی را از صف فرصت طلبان، عوام فریبان، متعلقین سیاسی و عاملین نفوذی خارجی تشخیص داد؟ امروز در حالیکه همگان خود را آزاد یخواه و معتقد میدانند و خوشبختانه "شعور سینه های" بسیاری هم داریم چه کسانی میتوانند و باید مسئولیت خطیر تجزیه و تحلیل و بررسی دقیق شرایط بفرنج و پیچیده های ایران را بدو رازانشاء نویسی و فلسفه های ذهنی، متظاهرانه و عوام فریبانه روشنفکران قلابی - بعهده گیرند؟ براستی اینان کیستند؟ اینان همان کسانی هستند که عشق به راستی، آزادی و دانائی دارند و همواره در جستجوی حقیقت بوده و حاضرند بازیرا گذاردن منافع شخصی خویش در راه آزادی و استقلال ایران با تمام نیرو مبارزه کنند. آنان مانند تمام آزاد یخواهان ایران هرگز از فدا کردن جان خود در راه آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی دریغ نداشته و آزاد یخواهی رانه در شعار بلکه در عمل از طریق مبارزات دموکراتیک امکان پذیر میدانند. آنان در شرایط مشخص و

## ♦♦♦ وظیفه آزادخواهان

لموس وزند ه جامعه ایران زندگی کرد هود ر تماس نزد يك با مرد مبود هود رد های بیشمار ملت را با گوشت و پوست خود لمس کرد هاند و از مشکلات پیچید ه و عذیده جامعه آگاهند . آنان هرگز رجستجوی مقام و جاه طلبی های شخصی نیستند و چه بسا گنمانند . ولی هم اینان هستند که دلپایشان در تب و تاب آزادی ایران و مردم ستمدیده اش میطپسد و دارای اعتقادات عمیق آزاد پخواهانه ، ملی و مترقی میباشند و باید مسئولیت و وظیفه سنگین تجزیه و تحلیل و سررسی دقیق شرایط ویژه ایران را بعهده بگیرند و سرنگونی رژیم رانه با شعار بلکه با اندیشه صحیح ، علمی ، روشن و عملی فراهم آورند . وهم اینان هستند که در راه وحدت بین نیروها ، افراد و شخصیتهای آزاد پخواه و د مکررات تلاش میکنند و میدانند مبارزه در راه آزادی ایران بدون اتحاد کلیه آزادی خواهان راستین - که عمیقا معتقد به اصول د مکرراتیست هستند - امکان پذیر نیست و سرنگونی رژیم رایسک گروه ، سازمان ، حزب و یایک شخص بتمهائی نمیتوانند ، فراهم آورند .

### ۳- انتقاد و طلبانه و نتیجه گیری صادقانه

ولی تا بدین جایی از صورت مسئله را گفته ایم ، نیم دیگر اینست که چگونه ! تاکید میکنم چگونه میتوان به تجزیه و تحلیل مسایل بیشمار و گوناگون ایران پرداخت ؟ آیا میتوان در پشت درهای بسته باتنی چند از " دوستان و رفقا " جدا از مبارزات عملی و د مکرراتیک به اندیشه صحیح و راهگشادست پیدا نمود ؟ آیا با طرح برنامه های ذهنی و غیر د مکرراتیک که ریشه در واقعیات ایران ندارد و از درون مبارزات عملی و عینی بیرون نیامده میتواند راه پرپیچ و خم ، تاریک و پراز پرتگاهی که در مقابلمان قرار دارد روشن نمود ؟ همانگونه که همه میدانند - سالیان سال است که " روشنفکران " خارجه نشین ترها و تئوریها و برنامه های بسیاری ارائه داد هاند ولی آیا توانسته اند کو چکترین راه حل عملی نشان دهند ؟ آیا خواننده عزیز رهبران کنگد راسیون ، گروهها و سازمانهای بسیاری که در دوران شاه در خارج از کشور یا دادن ترها ، تئوریها ، برنامه ها و نشریات و کتب بیشمار " رهبری انقلاب " را برعهده داشتند بیاد میآورد ؟ هنگامیکه دشمنان پشت پرده ایران دامگستر های راتحت لوای " جمهوری اسلامی " فراهم کرده

بودند ، نقش تئوریها و برنامه های بسیار آنان چه بود ؟ نتیجه مبارزات رهبران " ضد امپریالیست " بکجا انجامید ؟ آیا آنان جرات میکنند صادقانه در مقابل ملت ایران کی هم به گذشته خویش بنگرند و از شرایط د مکرراتیک کنونی در خارج از کشور بهره جسته و به جمع بندی از روابط غلط و سراپا اشتباه خود بپردازند ؟ نشریه " پیام آزادی " ارگان " شورای متحد چپ " در مقاله ای تحت عنوان " گفتگوش با دکتر کشاورز " با آنند وه فراوان و صمیمانه در نتیجه گیری از روابط گذشته می نویسد :

" این نکته شایان تذکار است که سیاستمداران ما متأسفانه از هر فرقه ، قشر ، طبقه و سازمانی باشند هرگز حاضر به انتقاد از خود و گذشته سیاسی خود نیستند و تمام ناکامیها و شکستها را ناشی از استبداد شاهنشاهی و اخیرا آخوندیسم قلمداد میکنند و یا اگر به اشتباهات اپوزیسیون اشاره کنند ضمن سلب مسئولیت از خود ، آنرا به رقبا ی سیاسی خود حواله میدهند . کی بود کی بود ، من نبود مترجیع بند دائمی بازی سیاسی این نوع افراد است . . . این خود محور بینی ، خود را محور و میدان وجود عالم و تاریخ قرار دادن ، خود را منزه و بی عیب و نقیص دانستن و جلوه دادن ، از آن نوع بیماریهای مهلکی است که بدبختانه دامن گیر اکثر شخصیتهای سیاسی جامعه ماست و این واقعا جای بسی تأسف است . یکی از عوامل عمد هر شد فرهنگ و آگاهی سیاسی برخوردار صادقانه و جسورانه به گذشته سیاسی خود است . . . پس چه باک از این که از عان کنیم در گذشته به این و یان دلیل د چار از یابی نادرست شده و اشتباه کرده ایم . . . متأسفانه در نامه آقای دکتر کشاورز این نقطه ضعف اساسی بچشم میخورد . " ( ۴ )

نویسند محترم مقاله سپس با آوردن نقل قول از نامه دکتر کشاورز که میگوید :

" من در پاریس بدین خمینی ترفتم و حتی پس از ۲۲ - بهمن به ایران ترفتم و بیش از ۳۲ سال است که در مهاجرت زندگی میکنم . . . " مینویسد :

" در اینجا ایشان علت امتناع از بازگشت به ایران را به ویژه در زمانیکه هنوز سرنوشته جامعه معلوم نبود و میلیونها تن از مردم جوانان کشور در صحنه سیاسی حضور داشتند و برای مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران حاضر به هرگونه جانبازی و فداکاری بودند توضیح نمیدهد . آقای کشاورز نمیدانند که در آن هنگام پس از قیام هزاران جوان مبارز ولی بدون تجربه



## ♦♦♦ وظیفه آزادخواهان

لموس وزند ه جامعه ایران زندگی کرد هود ر تماس نزد يك با مرد مبود هود رد های بیشمار ملت را با گوشت و پوست خود لمس کرد هاند و از مشکلات پیچید ه و عذیده جامعه آگاهند . آنان هرگز رجستجوی مقام و جاه طلبی های شخصی نیستند و چه بسا گنمانند . ولی هم اینان هستند که دلپایشان در تب و تاب آزادی ایران و مردم ستمدیده هاش می طپسد و دارای اعتقادات عمیق آزاد پخواهانه ، ملی و مترقی میباشند و باید مسئولیت و وظیفه سنگین تجزیه و تحلیل و سررسی دقیق شرایط ویژه ایران را بعهده بگیرند و سرنگونی رژیم رانه با شعار بلکه با اندیشه صحیح ، علمی ، روشن و عملی فراهم آورند . وهم اینان هستند که در راه وحدت بین نیروها ، افراد و شخصیتهای آزاد پخواه و د مکررات تلاش میکنند و میدانند مبارزه در راه آزادی ایران بدون اتحاد کلیه آزادی خواهان راستین - که عمیقا معتقد به اصول د مگراتیستیک هستند - امکان پذیر نیست و سرنگونی رژیم رایسک گروه ، سازمان ، حزب و یایک شخص بکنه سیاسی نمیتوانسد ، فراهم آورد .

### ۳- انتقاد و طلبانه و نتیجه گیری صادقانه

ولی تا بدین جایی از صورت مسئله را گفته ایم ، نیم دیگر اینست که چگونه ! تاکید میکنم چگونه میتوان به تجزیه و تحلیل مسایل بیشمار و گوناگون ایران پرداخت ؟ آیا میتوان در پشت درهای بسته باتنی چند از " دوستان و رفقا " جدا از مبارزات عملی و د مکرراتیک به اندیشه صحیح و راهگشادست پیدا نمود ؟ آیا با طرح برنامه های ذهنی و غیر د مکرراتیک که ریشه در واقعیات ایران ندارد و از درون مبارزات عملی و عینی بیرون نیامده میتوان راه پرپیچ و خم ، تاریک و پراز پرتگاهی که در مقابلمان قرار دارد روشن نمود ؟ همانگونه که همه میدانسد سالیان سال است که " روشنفکران " خارجه نشین ترها و تئوریها و برنامه های بسیاری ارائه داد هاند ولی آیا توانسته اند کو چکترین راه حل عملی نشان دهند ؟ آیا خواننده عزیز رهبران کنگد راسیون ، گروهها و سازمانهای بسیاری که در دوران شاه در خارج از کشور یا دادن ترها ، تئوریها ، برنامه ها و نشریات و کتب بیشمار " رهبری انقلاب " را برعهده داشتند بیاد میآورد ؟ هنگامیکه دشمنان پشت پرده ایران دامگستر های راتحت لوای " جمهوری اسلامی " فراهم کرده

بودند ، نقش تئوریها و برنامه های بسیار آنان چه بود ؟ نتیجه مبارزات رهبران " ضد امپریالیست " بکجا انجامید ؟ آیا آنان جرات میکنند صادقانه در مقابل ملت ایران کی هم به گذشته خویش بنگرند و از شرایط د مکرراتیک کنونی در خارج از کشور بهره جسته و به جمع بندی از روابط غلط و سراپا اشتباه خود بپردازند ؟ نشریه " پیام آزادی " ارگان " شورای متحد چپ " در مقاله ای تحت عنوان " گفتگوش با دکتر کشاورز " با انسد وه فراوان و صمیمانه در نتیجه گیری از روابط گذشته می نویسد :

" این نکته شایان تذکار است که سیاستمداران ما متاسفانه از هر فرقه ، قشر ، طبقه و سازمانی باشند هرگز حاضر به انتقاد از خود و گذشته سیاسی خود نیستند و تمام ناکامیها و شکستها را ناشی از استبداد شاهنشاهی و اخیرا آخوندیسم قلمداد میکنند و یا اگر به اشتباهات اپوزیسیون اشاره کنند ضمن سلب مسئولیت از خود ، آنرا به رقبا ی سیاسی خود حواله میدهند . کی بود کی بود ، من نبود مترجیع بند دائمی بازی سیاسی این نوع افراد است . . . این خود محور بینی ، خود را محور و میدان وجود عالم و تاریخ قرار دادن ، خود را منزه و بی عیب و نقیص دانستن و جلوه دادن ، از آن نوع بیماریهای مهلکی است که بدبختانه دامن گیر اکثر شخصیتهای سیاسی جامعه ماست و این واقعا جای بسی تاسف است . یکی از عوامل عمد هر شد فرهنگ و آگاهی سیاسی برخوردار صادقانه و جسورانه به گذشته سیاسی خود است . . . پس چه باک از این که از عان کنیم در گذشته به این و یان دلیل د چار از یابی نادرست شده و اشتباه کرده ایم . . . متاسفانه در نامه آقای دکتر کشاورز این نقطه ضعف اساسی بچشم میخورد . " ( ۴ )

نویسند ه محترم مقاله سپس با آوردن نقل قول از نامه دکتر کشاورز که میگوید :

" من در پاریس بدین خمینی نرفتم و حتی پس از ۲۲ - بهمن به ایران نرفتم و بیش از ۲۲ سال است که در مهاجرت زندگی میکنم . . . " مینویسد :

" در اینجا ایشان علت امتناع از بازگشت به ایران را به ویژه در زمانیکه هنوز سرنوشته جامعه معلوم نبود و میلیونها تن از مردم جوانان کشور در صحنه سیاسی حضور داشتند و برای مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران حاضر به هرگونه جانبازی و فداکاری بودند توضیح نمیدهد . آقای کشاورز نمیدانند که در آن هنگام پس از قیام هزاران جوان مبارز ولی بدون تجربه

## آموزش عالی

- ۹- ضد انقلاب فامیل خود را نام ببرید .
- ۱۰- ۲ یا ۳ نفر از افراد "مکشی و مومن" که معرف شما باشند ، نام ببرید .
- ۱۱- چه انتخاباتی رای داد هاید ؟ ( همراه با فتوکپی صفحات شناسنامه )
- ۱۲- از اقوام رجهیک شما چه کسانی در خارج از کشور به سر میبرند ، کجا ، به چه مدتی و به چه منظوری ؟
- ۱۳- محل تحصیلات خود را از د و ران - ابتدا این تابحال یا از کشور خود رسیده و منطقه مربوطه بنویسید .
- ۱۴- آدرس محل زندگی خود را همراه با کروکی مشخص نمایید .

### تحقیق

بعد از مرحله پرکردن پرسشنامه بر مبنای جوابهای داد شده ، تحقیق وسیعی از محل زندگی ، محل کار و محل تحصیل افراد شروع میشود . این مرحله برای عوامل و مزدوران رژیم از جهت شناسایی هویت سیاسی دانشجویان دارای اهمیت بسیاری است و افراد انجمنهای اسلامی ، بخش اطلاعات و جاسوسی کمیته‌ها و سپاه و مساجد فعالیت شدیدی را برای جلوگیری و کنترل افراد مخالف و "مشکوک" بعمل میآورند .

لازمیاء آوری است که در رکنکسور اسامی مرحله تحقیق به علت تضاد های درونی هیئت حاکمه و مشکلات و موانعی که در این زمینه برای وزارت فرهنگ و آموزش عالی " بوجود آمد نبود ، حذف گردید .

ارائه شیوه‌های مختلف از سوی جناح های موجود ، نشانگر وجود اختلافات عمیق در سطح مقامات اجرائی است ، اما باید اضافه نمود همانگونه که میدانیم این تصمیم نیز دقیقاً با خطر منافع رهبران رژیم

گرفته شده است و اگر نه تمام ارگانهای جاسوسی و اختناق رژیم بود رصد آنها "جهاد دانشگاهی" که نقش اصلی را در "شورای مرکزی پذیرش" دارا میباشد ، همراه با سایر نهاد های اجرائی در مورد سرکوب و طرد عناصر آگاه و مترقی و مخالفین متفق القول هستند . نجفی وزیر سابق فرهنگ و آموزش عالی در مورد حذف این مرحله چنین گفت :

" این وزارتخانه معتقد است با توجه به شرایط کلی کشور و جامعه و مد رسه و دانشگاه که حزب الهی حاکمیت پیدا کرده است و با توجه به وجود لچسبی که حاکم است تحقیق بصورت گذشته ضرورت ندارد... " (کیهان ۱۱/۴/۶۳)

با وجود این ترفند جدید که تبلیغ فراوان در مورد آن میشود ، همگان به خوبی میدانند که چنین تاکتیکهایی نیز کهنه شده و از ماهیت واقعی رژیم ، ذره ای کاسته نمیشود و بطور یقین تحقیق به شکلها دیگری و از کانالهای جاسوسی گوناگونی انجام میگردد .

### گزینش

بعد از مرحله تحقیق ، مرحله گزینش طبق جدول زیر گروه بندی شد بود :

۱- دانشجویان بلامانع

۲- دانشجویانی که متهم به "فساد اخلاقی" بودند و یا یک تعهد اخلاقی ثبت نام میشدند .

۳- دانشجویان مشروط که از لحاظ سیاسی بد و دسته تقسیم میگشتند ، عد های که نا آگاهانه بود عمل در " اغتشاشات " شرکت کرده بودند و دسته ای که رابطه "ضعیفی با گروهها داشته و از آنان حمایت میکردند - از افراد این گروه ، عد های ضمنی در آن تعهد اخلاقی و محکوم کردن به اصطلاح گروههای "ضد انقلاب" ثبت نام

شده ، و گروهی حکم تعلیق برایشان صادر گردید .

۴- دانشجویانی که اخراج و اتمام شده و شامل هواداران گروههای سیاسی بودند در میان گروههای ۳ و ۴ عد های نیز باید خود را به ادستانی اوین معرفی میکردند و چه بسا که دستگیر و راهی زندان میگشتند . بعد از گذراندن این مراحل ، مطلب به اینجا ختم نمیشد . ازین ثبت شدگان بعد از ترم اول در دسته ای دیگر و باره تصفیة و بهمهانه های واهی اخراج و با تکلیف گردیدند .

در رابطه با گزینش دانشجویان در کنکور سراسری اسامی (۶۴-۶۳) از تعداد ۳۵۰ هزار شرکت کنند بعد از طی مراحل مختلف ، تنها حدود ۳۵ هزار نفر توانستند به دانشگاهها راه یابند ۳۵٪ آنها را خانواده "شهید" و سایر افراد وابسته به رژیم ، معلولین "انقلاب" ، اعضای نهاد های با اصطلاح انقلابی مانند بنیاد شهید ، جهاد سازندگی ، بسیج ، سپاه و کمیته ها تشکیل میدهند . البته این رقم ، رقمی است که خود مسئولین اعلام کرد هاند و بطور قطع تعداد سرسپردگان رژیم به مراتب بیش از این رقم است . در مورد سایر داوطلبان نیز نهایت درجه کوشش بعمل میآید که افراد غیر سیاسی انتخاب شوند و داوطلبان مخالف موفق به ورود به دانشگاه نگردند .

### قوانین انضباطی و کیفیت آموزشی

غیر از موارد ذکر شده ، دانشجویان باید قوانین انضباطی شدید و مبتذل را رعایت کنند . این مقررات در رابطه با طرز پوشش ، طرز برخورد دانشجویان و دخترپسر ، طرز نشستن آنها در کلاسها و ... است . بعنوان مثال یکی از مقررات

## آموزش عالی

- ۹- ضد انقلاب فامیل خود را نام ببرید .
- ۱۰- ۲ یا ۳ نفر از افراد "مکشی و مومن" که معرف شما باشند ، نام ببرید .
- ۱۱- چه انتخاباتی رای داد هاید ؟ ( همراه با فتوکپی صفحات شناسنامه )
- ۱۲- از اقوام رجهیک شما چه کسانی در خارج از کشور به سر میبرند ، کجا ، به چه مدتی و به چه منظوری ؟
- ۱۳- محل تحصیلات خود را از د و ران - ابتدا این تا بحال یا از کشور خود رسه و منطقه مربوطه بنویسید .
- ۱۴- آدرس محل زندگی خود را همراه با کروکی مشخص نمایید .

### تحقیق

بعد از مرحله پرکردن پرسشنامه بر مبنای جوابهای داد شده ، تحقیق وسیعی از محل زندگی ، محل کار و محل تحصیل افراد شروع میشود . این مرحله برای عوامل و مزدوران رژیم از جهت شناسایی هویت سیاسی دانشجویان دارای اهمیت بسیاری است و افراد انجمنهای اسلامی ، بخش اطلاعات و جاسوسی کمیته ها و سپاه و مساجد فعالیت شدیدی را برای جلوگیری و کنترل افراد مخالف و "مشکوک" بعمل میآورند .

لازمیاء آوری است که در رکنکسور اسال مرحله تحقیق به علت تضاد های درونی هیئت حاکمه و مشکلات و موانعی که در این زمینه برای وزارت فرهنگ و آموزش عالی " بوجود آمد نبود ، حذف گردید .

ارائه شیوه های مختلف از سوی جناح های موجود ، نشانگر وجود اختلافات عمیق در سطح مقامات اجرائی است ، اما باید اضافه نمود همانگونه که میدانیم این تصمیم نیز دقیقاً با خطر منافع رهبران رژیم

گرفته شد هاست و اگر نه تمام ارگانهای جاسوسی و اختناق رژیم بود رصد آنها "جهاد دانشگاهی" که نقش اصلی را در "شورای مرکزی پذیرش" دارا میباشد ، همراه با سایر نهاد های اجرائی در مورد سرکوب و طرد عناصر آگاه و مترقی و مخالفین متفق القول هستند . نجفی وزیر سابق فرهنگ و آموزش عالی در مورد حذف این مرحله چنین گفت :

" این وزارتخانه معتقد است با توجه به شرایط کلی کشور و جامعه و رسه و دانشگاه که حزب الهی حاکمیت پیدا کرده است و با توجه به وجود لچسبی که حاکم است تحقیق بصورت گذشته ضرورت ندارد... " (کیهان ۱۱/۴/۶۳)

با وجود این ترفند جدید که تبلیغ فراوان در مورد آن میشود ، همگان به خوبی میدانند که چنین تاکتیکهایی نیز کهنه شد ه و از ماهیت واقعی رژیم ، ذره ای کاسته نمیشود و بطور یقین تحقیق به شکلها دیگری و از کانالهای جاسوسی گوناگونی انجام میگردد .

### گزینش

بعد از مرحله تحقیق ، مرحله گزینش طبق جدول زیر گروه بندی شد بود :

- ۱- دانشجویان بلا مانع
- ۲- دانشجویانی که متهمه "فساد اخلاقی" بودند و یا یک تعهد اخلاقی ثبت نام میشوند .
- ۳- دانشجویان مشروط که از لحاظ سیاسی بد و دسته تقسیم میگشتند ، عد های که نا آگاهانه بود عمل در " اغتشاشات " شرکت کرد ه بودند و دسته ای که رابطه "ضعیفی با گروهها داشته و از آنان حمایت میکردند - از افراد این گروه ، عد های ضمنی دادن تعهد اخلاقی و محکوم کردن به اصطلاح گروههای "ضد انقلاب" ثبت نام

شده ، و گروهی حکم تعلیق برایشان صادر گردید .

۴- دانشجویانی که اخراج و اتمام شده و شامل هواداران گروههای سیاسی بودند در میان گروههای ۳ و ۴ عد های نیز باید خود را به ادستانی اوین معرفی میکردند و چه بسا که دستگیر و راهی زندان میگشتند . بعد از گذراندن این مراحل ، مطلب به اینجا ختم نمیشد . ازین ثبت شدگان بعد از ترم اول در دسته ای دیگر و باره تصفیة و بهمهانه های واهی اخراج و با تکلیف گردیدند .

در رابطه با گزینش دانشجویان در کنکور سراسری اسال (۶۴-۶۳) از تعداد ۳۵۰ هزار شرکت کنند بعد از طی مراحل مختلف ، تنها حدود ۳۵ هزار نفر توانستند به دانشگاهها راه یابند ۳۵٪ آنها را خانواده "شهید" و سایر افراد وابسته به رژیم ، معلولین "انقلاب" ، اعضای نهاد های با اصطلاح انقلابی مانند بنیاد شهید ، جهاد سازندگی ، بسیج ، سپاه و کمیته ها تشکیل میدهند . البته این رقم ، رقمی است که خود مسئولین اعلام کرد هاند و بطور قطع تعداد سرسپردگان رژیم به مراتب بیش از این رقم است . در مورد سایر داوطلبان نیز نهایت درجه کوشش بعمل میآید که افراد غیر سیاسی انتخاب شوند و داوطلبان مخالف موفق به ورود به دانشگاه نگردند .

### قوانین انضباطی و کیفیت آموزشی

غیر از موارد ذکر شده ، دانشجویان باید قوانین انضباطی شدید و مبتذل را رعایت کنند . این مقررات در رابطه با طرز پوشش ، طرز برخورد دانشجویان و دخترپسر ، طرز نشستن آنها در کلاسها و ... است . بعنوان مثال یکی از مقررات

## آموزش عالی

مضحکی که در برخی از کلاسهای معارف اسلامی صورت میگیرد، اینست که منتها دانشجویان در ختراز پرسجده هستند، بلکه ختران دانشجو مجبورند سئوالات خود را کتباً تحویل استاد مربوطه دهند. در ضمن تشکیل هر نوع اجتماعی حتی تیمهای ورزشی پسران نیز منوط به اجازه و نظرسر شورای انضباطی دانشگاه است.

کیفیت آموزشی دانشگاهها بنظر فاحشی پایین بود و رژیم بعثت کمبود استادان متخصص و کاروان با مشکلات زیادی روبرو است. اخیراً بعضی از رشتهها دست به استخدا م "استادانی" زد که تحصیلات آنان حتی در سطح دانشگاهی نیز نمیباشد. زیرا بدنبال برنامه "انقلاب فرهنگی" و با توسل به شیوههای فاشیستی مزدوران رژیم در دانشگاهها حدود چهار هزارتن از استادان آزاد یخواه را از کار برکنار نمودند. تعدادی از آنان اعدام، عد هگیری دستگیر و روانه زندانها، عد های تبعید و تعداد بیشماری راهی دیار غربت گشته و در کشورهای مختلف آوار شده اند. احمد کاشانی نماینده مجلس شورای اسلامی در این مورد چنین اعتراف میکند:

"از سه چهار سال پیش به اینطرف بیش از ۴۰۰۰ از اساتید دانشگاههای ما به انحاء مختلف از گرد و نهد ریس خسار ج شده اند... (اطلاعات ۱/۲/۶۳) در ضمن آزمایشگاهها و کارگاهها فاقده وسایل و امکانات لازم است. در س معارف اسلامی برای تمام رشتهها اجباری است. حجم رسها بسیار زیاد و کیفیت آنها فوق العاده نازل بود، هدف مجریان و برنامه ریزان رژیم این است که حتی پس از عبور از "هفت خوان" مسوجود دانشجویان فرصت تکان خوردن و

پرداختن بمسائلم را نداشتند.

### تعدد مراکز قدرت

در رابطه با تعدد مراکز قدرت چندی پیش از طرف منتظری و فاطری در تمام دانشگاهها برای رسیدگی به شکایات و سئوالات دانشجویان د ایر شده که عملاً در بسیاری از موارد خود این نمایندگان اعتراف به نداشتن قدرت در مقابل "خط امامیهای" میکنند که در پشت پرده سرخ تمام جریانات را در دست دارند و از قدرت و حمایت بسیاری برخوردارند. در مورد پیوند حوزه و دانشگاه و نقش روحانیت و حضور آنان در دانشگاهها شواهد و دلایل بسیاری از اختلافات عمیق بین مقامات دانشگاهی و جناحهای مختلف در دست است. که ناشی از تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیریها و خالت و تد اخل این امور در یکدیگر است و مدیریت دانشگاهها بسیار ضعیف و فاقد کارآیی و عاجز از انجام امور مربوطه میباشند. در خالت "جهاد دانشگاهی" و "شورای عالی فرهنگ" و رقابت و درگیری جناحهای موجود در رهبری سبب تشدید اختلافات و تصفیه های متمادی میگردد. (برکناری نجفی وزیر آموزش عالی سابق جد از این بدستبندی ها نبود است.)

ضایعات عظیم فاجعه "انقلاب فرهنگی" بسیار است و بازگشایی دانشگاهها نیز با توجه به معیارها و موازین یاد شده جز در خدمت اهداف رژیم اسلامی نمیتوانند باشد. زیرا آموزش عالی در چنین شرایطی در کشور ما به تنها امری که معطوف نیست، امر پرورش جوانان و متخصصین است. چن فاقده صلاحیت و امکانات لازم بود و و پایه واقعی افکار و اعمال گردانندگان آن جهل

و نادانی و تعصبات خشک است که آنها را متکی بر استبداد مطلق و روابط ضد بشری است. هاشمی رفسنجانی نیات واقعی رژیم را در این زمینه عیانتر میسازد، هنگامی که میگوید:

"جمهوری اسلامی تنها افرادی را به دانشگاهها راه خواهد داد که حزب الهی باشند و در خدمت تد و رژیم اسلامی عمل نمایند."

م - بهزادی



### قافله بیدار شو!

شب سیاه،  
راهی دراز  
بنیابانی بیکران  
دلی گرفته  
نگاهی منتظر  
چشمی گریان  
رنجی بی انتها  
دردی عمیق  
عشقی عظیم  
انتقاصی بزرگ  
سوختم، سوختم  
من بیقرار  
و  
سرنوشت تو  
در دست دشمنان  
بیرحم و سخت  
یا نیرنگشان  
آه... آه

قافله بیدار شو، بیدار!

آزرخش

پاریس ۱۹۸۲/۵/۸

## آموزش عالی

مضحکی که در برخی از کلاسهای معارف اسلامی صورت میگیرد، اینست که منتها دانشجویان در ختراز پرسجدا هستند، بلکه دختران دانشجو مجبورند سئوالات خود را کتباً تحویل استاد مربوطه دهند. در ضمن تشکیل هر نوع اجتماعی حتی تیمهای ورزشی پسران نیز منوط به اجازه و نظرسر شورای انضباطی دانشگاه است.

کیفیت آموزشی دانشگاهها بنظر فاحشی پایین بود و رژیم بعثت کمبود استادان متخصص و کاروان با مشکلات زیادی روبرو است. اخیراً بعضی از رشتهها دست به استخدا م "استادانی" زد که تحصیلات آنان حتی در سطح دانشگاهی نیز نمیباشد. زیرا بدنبال برنامه "انقلاب فرهنگی" و با توسل به شیوههای فاشیستی مزدوران رژیم در دانشگاهها حدود چهار هزارتن از استادان آزاد یخواه را از کار برکنار نمودند. تعدادی از آنان اعدام، عد هگیری دستگیر و روانه زندانها، عد های تبعید و تعداد بیشماری راهی دیار غربت گشته و در کشورهای مختلف آوار شده اند. احمد کاشانی نماینده مجلس شورای اسلامی در این مورد چنین اعتراف میکند:

"از سه چهار سال پیش به اینطرف بیش از ۴۰۰۰ از اساتید دانشگاههای ما به انحاء مختلف از گرد و نهد ریس خسار ج شده اند... (اطلاعات ۱/۲/۶۳) در ضمن آزمایشگاهها و کارگاهها فاقده وسایل و امکانات لازم است. در س معارف اسلامی برای تمام رشتهها اجباری است. حجم رسها بسیار زیاد و کیفیت آنها فوق العاده نازل بود، هدف مجریان و برنامه ریزان رژیم این است که حتی پس از عبور از "هفت خوان" مسوجود دانشجویان فرصت تکان خوردن و

پرداختن بمسائلمسائل راند اشتها شدند.

### تعدد مراکز قدرت

در رابطه با تعدد مراکز قدرت چندی پیش از طرف منتظری و فاطری در تمام دانشگاهها برای رسیدگی به شکایات و سئوالات دانشجویان د ایر شده که عملاً در بسیاری از موارد خود این نمایندگان اعتراف به نداشتن قدرت در مقابل "خط امامیهای" میکنند که در پشت پرده سرخ تمام جریانات را در دست دارند و از قدرت و حمایت بسیاری برخوردارند. در مورد پیوند حوزه و دانشگاه و نقش روحانیت و حضور آنان در دانشگاهها شواهد و دلایل بسیاری از اختلافات عمیق بین مقامات دانشگاهی و جناجهای مختلف در دست است. که ناشی از تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیریها و خالت و تد اخل این امور در یکدیگر است و مدیریت دانشگاهها بسیار ضعیف و فاقد کارآیی و عاجز از انجام امور مربوطه میباشند. در خالت "جهاد دانشگاهی" و "شورای عالی فرهنگ" و رقابت و درگیری جناجهای موجود در رهبری سبب تشدید اختلافات و تصفیه های متمادی میگردد. (برکناری نجفی وزیر آموزش عالی سابق جد از این بدستبندی هانیود است.)

ضایعات عظیم فاجعه "انقلاب فرهنگی" بسیار است و بازگشایی دانشگاهها نیز با توجه به معیارها و موازین یاد شده جز در خدمت اهداف رژیم اسلامی نمیتوانند باشد. زیرا آموزش عالی در چنین شرایطی در کشور ما به تنها امری که معطوف نیست، امر پرورش جوانان و متخصصین است. چن فاقده صلاحیت و امکانات لازم بود و و پایه واقعی افکار و اعمال گردانندگان آن جهل

و نادانی و تعصبات خشک است که آنها متکی بر استبداد مطلق و روابط ضد بشری است. هاشمی رفسنجانی نیات واقعی رژیم را در این زمینه عیانتر میسازد، هنگامی که میگوید:

"جمهوری اسلامی تنها افرادی را به دانشگاهها راه خواهد داد که حزب الهی باشند و در خدمت تد و رژیم اسلامی عمل نمایند."

م - بهزادی



### قافله بیدار شو!

شب سیاه،  
راهی دراز  
بنیابانی بیکران  
دلی گرفته  
نگاهی منتظر  
چشمی گریان  
رنجی بی انتها  
دردی عمیق  
عشقی عظیم  
انتقاصی بزرگ  
سوختم، سوختم  
من بیقرار  
و  
سرنوشت تو  
در دست دشمنان  
بیرحم و سخت  
پانیرنگشان  
آه... آه  
قافله بیدار شو، بیدار!

آزرخش

پاریس ۱۹۸۲/۵/۸

## ♦♦♦ وظیفه آزادیخواهان

واطلاعات کافی در برابر اردوستانه کیانوری که بساط عوام فریبی پهن کرد نبودند، بی یار و یار ایستاد هوسخت نیازمند حضور افرادی مانند ایشان بودند تا در باره وقایع تاریخی و گذشته حزب تود به شهادت بر خیزد و آنها را از کزروی و گمراهی و سقوط در دامن حزب تود بپرهاند. اما این جوانان وقتی در مقابل نظرات رهبران حزب تود به سخنان شما استناد میکردند و با آنها مخالفت می ورزیدند، پاسخ کیانوری به آنها این بود که کترکشا و روزاهل عمل و مبارزه نیست و در فرنگستان جا خوش کرده است و شما بیپوده سینه چاک میدهید. همین بس. حال از اتهامات کیانوری که بگذریم بقول خود ایشان "۳۲ سال دوری از محیط ایران" یعنی از میدان اصلی مبارزه در دوره کوتاهی نیست، همه ما بخوبی میدانیم و پوست و گوشت خود لمس میکنیم که زندگی در مهاجرت مکانیسمها و قانونمندیهای ویژه ای دارد که میتواند منجر به بسیاری زهنی گریها، پیشداوریها و حتی داوریهای نادرست و پیدایش نوعی بیگانگی نسبت به زندگی واقعی مردم ایران بشود. . . . این واقعیت تلخ و دردناک راهنگا پازگشت به وطن بخوبی احساس و تجربه کردند. (۵)

این بیان تاسف بار انگشت به نقطه حساسی میگنارد که نمونه مشتق از خروارها و واقعیت روابط غلط روشنفکران صادر گذشته و حال است. البته بسیاری ازینند و منطقی است که آقای کشا و روزسایر رهبران به سوالات حساس ایشان جواب گویند. ولی دست نویسند "پیام آزادی" نمیگویند که اگر "هبران بر تجربه" نخواستند و یا نتوانستند به این امر مبارت و رزند، آنها ننگام چه باید کرد؟

آیا هر کدام از تک روشنفکرانی که دارای تجربه های کم و بیش مختلف سیاسی هستند نباید مسئولیت این نتیجه گیری را با کمال صداقت و درستی خود بعهده گیرند و در انتظار بیهود نباشند تا شاید آن کسانی که نخواستند و نتوانستند درهای بسته را در طی سالیان دراز بکشایند حال به انجام این عمل بپردازند؟ ولی ضمناً این نکته را نیز نمیتوان فراموش کرد که انسان نباید واعظ نامتعظ باشد. چینی کوست اگر همانگونه که ما از آقایانی چون کشا و روزها انتظار داریم با ادای دین انقلابی و عطی به وظیفه تاریخی شان عمل کنند (۶) و شاید این انتظار بزودی سر نیاید، بهتر است هر فرد، شخصیت، سازمان و گروهی خود را در مقابل ملت ایران مسئول ببیند و کمر همت ببندد و بخود متکی گردد، شهادت و

جسارت نشان دهد و مانند هر موجود و حرکت زند هود رحال رشدی اشکالات گذشته و حال را عیان کند و سهم خود را این راه و با عمل خویش پیش قدم شود تا بتوان باز و دن کفایت و تیرگی هایی که سالهاست مانع اند پیشیدن آزاد و آزاد یخواهانه شد مبراهه درست قدم گذارد. متاسفانه ما ایرانیان عادت نداریم اشکالات و انتقادات خویش را که بخوبی و بیش از هر کسی از آن مطلع هستیم بطور طبیعی و داوطلبانه مورد ارزیابی قرار دهیم. ولی جبر زمان و سیر تحولات تاریخی - اجتماعی خواهی نخواهی ما را مجبور خواهد کرد تا به شدید ترین وجهی بسا نتیجه اعمال و برخورد های خود روبرو شویم و آنچه را که در زندگی سیاسی - اجتماعی کاشته ایم بدرویم.

البته مسئله پرد مپوشی و پنهان نمودن اشتباهات و خطاهائی که رهبران و روشنفکران ما به آن روبرو هستند دیگر تقریباً بصورت يك سنت غلط و مشکل اساسی و فامض درآمده و واقعاً بدتر میتوان يك تن از رهبران و روشنفکران و یا شخصیت های سیاسی را پیدا کرد که گذشته سیاسی خود را مورد انتقاد صادقانه قرار دهند. متاسفانه در طی قریب نیم قرن گذشته این مسئله بزرگ بصورت چرکهای درآمده که روی پوست بدن سالها طبقه طبقه پوشانده و تا این چرکها در آب زلال و بر حرارت دمکراسی و آزادی خیس نخورد و پاکیزه زبر انتقاد روبرو نگردد، ما هرگز نخواهیم توانست کوچکترین قدمی را در راه آزادی ایران برداریم. بیاییم صادقانه صحبت کنیم! براستی اگر ما سابقه یکایک گروهها، سازمانها، احزاب و افراد سیاسی جامعه خود مان را مورد بررسی قرار دهیم، آیا با يك نمونه پرارزش و ریشه ای از برخورد های انتقادی و همه جانبه گذشته سیاسی روبرو میشویم؟ آیا خواننده عزیز میتواند بسا صراحت به این سوال جواب گوید و يك نمونه در این زمینه را نشان دهد؟ نیم قرن مدت کمی نیست! قبل از روی کار آمدن رژیم برخی شاید میتوانستند دلایل "موجهی" را برای عدم محل این مشکل بزرگ ارائه دهند. ولی در طی ۶ سال گذشته چگونه؟ آیا هنگامیکه شاه ایران را ترک کرد، یکایک افراد، نیروها و سازمانهای مختلف چه سیاستها و روشها و موضع گیریهای را در حل مشکلات روز افزون و بیشمار جامعه ایران ارائه دادند؟ مواضع آنان در قبال رژیم که از همان ابتدا هدف و برنامه اش نابودی دمکراسی و آزادی و ایجاد يك جامعه مذهبی - فاشیستی بود، چه بود؟ آنان در قبال

## ♦♦♦ وظیفه آزادیخواهان

واطلاعات کافی در برابر اردوستانه کیانوری که بساط عوام فریبی پهن کرد بودند، بی یار و یار ایستاد هوسخت نیازمند حضور افرادی مانند ایشان بودند تا در باره وقایع تاریخی و گذشته حزب تود به شهادت بر خیزد و آنها را از کزروی و گمراهی و سقوط در دامن حزب تود بپرهاند. اما این جوانان وقتی در مقابل نظرات رهبران حزب تود به سخنان شما استناد میکردند و با آنها مخالفت می ورزیدند، پاسخ کیانوری به آنها این بود که کترکشا و رزاهل عمل و مبارزه نیست و در فرنگستان جا خوش کرده است و شما بیپوده سینه چاک میدهید. همین بس. حال از اتهامات کیانوری که بگذریم بقول خود ایشان "۳۲ سال دوری از محیط ایران" یعنی از میدان اصلی مبارزه در دوره کوتاهی نیست، همه ما بخوبی میدانیم و پوست و گوشت خود لمس میکنیم که زندگی در مهاجرت مکانیسمها و قانونمندیهای ویژه ای دارد که میتواند منجر به بسیاری زهنی گریها، پیشداوریها و حتی داوریهای نادرست و پیدایش نوعی بیگانگی نسبت به زندگی واقعی مردم ایران بشود. . . . این واقعیت تلخ و دردناک راهنگا پازگشت به وطن بخوبی احساس و تجربه کردند. (۵)

این بیان تاسف بار انگشت به نقطه حساسی میگنارد که نمونه مشتق از خروارها و واقعیت روابط غلط روشنفکران صادر گذشته و حال است. البته بسیاری از اینده و منطقی است که آقای کشا و رزوا سیر رهبران به سوالات حساس ایشان جواب گویند. ولی دست نویسند "پیام آزادی" نمیگویند که اگر "هبران بر تجربه" نخواستند و یا نتوانستند به این امر مبادرت ورزند، آنها نکام چه باید کرد؟

آیا هر کدام از تک روشنفکرانی که دارای تجربه های کم و بیش مختلف سیاسی هستند نباید مسئولیت این نتیجه گیری را با کمال صداقت و درستی خود بعهده گیرند و در انتظار بیهود نباشند تا شاید آن کسانی که نخواستند و نتوانستند در راهی بسته در طی سالیان دراز بنگشایند حال به انجام این عمل بپردازند؟ ولی ضمناً این نکته را نیز نمیتوان فراموش کرد که انسان نباید واعظ نامتعظ باشد. چینی کوست اگر همانگونه که ما از آقایانی چون کشا و رزوا انتظار داریم با ادای دین انقلابی و عطی به وظیفه تاریخی شان عمل کنند (۶) و شاید این انتظار بزودی سر نیاید، بهتر است هر فرد، شخصیت، سازمان و گروهی خود را در مقابل ملت ایران مسئول ببیند و کمر همت ببندد و بخود متکی گردد، سهامت و

جسارت نشان دهد و مانند هر موجود و حرکت زند هود رحال رشدی اشکالات گذشته و حال را عیان کند و سهم خود را این راه و با عمل خویش پیش قدم شود تا بتوان باز و دن کفایت و تیرگی هایی که سالهاست مانع اند پیشیدن آزاد و آزاد یخواهانه شد به راه درست قدم گذارد. متأسفانه ما ایرانیان عادت نداریم اشکالات و انتقادات خویش را که خوب و بیش از هر کسی از آن مطلع هستیم بطور طبیعی و داوطلبانه مورد ارزیابی قرار دهیم. ولی جبر زمان و سیر تحولات تاریخی - اجتماعی خواهی نخواهی ما را مجبور خواهد کرد تا به شدید ترین وجهی بسا نتیجه اعمال و برخورد های خود رو برو شویم و آنچه را که در زندگی سیاسی - اجتماعی کاشته ایم بدرویم.

البته مسئله پرد مپوشی و پنهان نمودن اشتباهات و خطاهایی که رهبران و روشنفکران ما به آن رو برو هستند دیگر تقریباً بصورت يك سنت غلط و مشکل اساسی و فامض در آمده و واقعاً بدتر میتوان يك تن از رهبران و روشنفکران و یا شخصیت های سیاسی را پیدا کرد که گذشته سیاسی خود را مورد انتقاد صادقانه قرار دهند. متأسفانه در طی قریب نیم قرن گذشته این مسئله بزرگ بصورت چرکهای در آمده که روی پوست بدن سالها طبقه طبقه پوشانده و تا این چرکها در آب زلال و بر حرارت دمکراسی و آزادی خیس نخورد و پاکیزه زبر انتقاد رو برو نگردد، ما هرگز نخواهیم توانست کوچکترین قدمی را در راه آزادی ایران برداریم. بیاییم صادقانه صحبت کنیم! براستی اگر ما سابقه یکایک گروهها، سازمانها، احزاب و افراد سیاسی جامعه خود مان را مورد بررسی قرار دهیم، آیا با يك نمونه پرارزش و ریشه ای از برخورد های انتقادی و همه جانبه گذشته سیاسی رو برو میشویم؟ آیا خواننده عزیز میتواند بسا صراحت به این سوال جواب گوید و يك نمونه در این زمینه را نشان دهد؟ نیم قرن مدت کمی نیست! قبل از روی کار آمدن رژیم برخی شاید میتوانستند دلایل "موجهی" را برای عدم محل این مشکل بزرگ ارائه دهند. ولی در طی ۶ سال گذشته چگونه؟ آیا هنگامیکه شاه ایران را ترک کرد، یکایک افراد، نیروها و سازمانهای مختلف چه سیاستها و روشها و موضع گیریهای را در محل مشکلات روز افزون و بیشمار جامعه ایران ارائه دادند؟ مواضع آنان در قبال رژیم که از همان ابتدا هدف و برنامه اش نابودی دمکراسی و آزادی و ایجاد يك جامعه مذهبی - فاشیستی بود، چه بود؟ آنان در قبال

## ♦♦♦ وظیفه آزادیخواهان

اشتباهات، کج رویها، "چپ رویها" و راست رویهای گذشته بزد آیند و آنها را بد و نترس و وا همه عیان کنند.

### یادداشتها

۱ - ویلیام - اچ - سالیوان : آخرین سفیر کبیر آمریکا در ایران از ژوئن ۱۹۷۷ تا آوریل ۱۹۷۹ بود. سالیوان در هنگام ماموریتش در ایران تابع سیاستهای سازشکارانه سیروس ونس وزیر خارجه وقت آمریکا در جهت حمایت از استقرار رژیم جمهوری اسلامی بود. سالیوان در کتاب "ماموریت در ایران" میگوید: "در نوامبر ۱۹۷۸ طی گزارشی به واشنگتن تحت عنوان "اندیشیدن به آنچه چیزی که نمیتوان اندیشید"، بعضی از نظرات اساسی و تغییرات آنرا درباره ایران مورد بررسی قرار دادم. برای مثال خاطر نشان کردم که بر اساس آگاهی و تعلق موجود، ثبات گذشته ایران همواربرد و پایه سلطنت و مذهب شیعه استوار بود. در پانزده سال گذشته استحکام پایه سلطنت موجب برپانگاهد اشتن کشور بود ولی اکنون که پایه سلطنت متزلزل گردیده است، چاره‌ای نیست مگر اینکه این ثبات با محکم نمودن پایه مذهب تا مین گردد. . . . خطوط اساسی پیشنهاد من برای امر استوار بود که برای پایان بخشیدن به بحران کنونی در ایران و استقرار یک نظم نوین میبایست سازشی بین نیروهای مسلح و مذهبی بوجود آید و برای انجام چنین مصالحه‌ای نهنشاه بلکه دیکر فرماندهان و افسران ارشد نیز باید کشور را ترک کنند. . . . نظرم این بود که رهبری مذهبی و شخص خمینی ممکن است یک چنین برنامه‌ای را قبول کند و . . . و این از نقطه نظر مارا حلی رضایت بخش است." ص ۲۰۱ و ۲۰۲ نسخه انگلیسی

۲ - همانجا صفحه ۸

۳ - همانجا صفحه ۲۲۶

۴ - پیام آزادی شماره ۲۱ مرداد ۱۳۶۲ صفحه ۱۸ و ۱۹

۵ - همانجا صفحه ۱۹

۶ - همانجا صفحه ۱۹



مسائل مختلف ایران، "حکومت ۳۷ روزه بختیار" روی کار آمدن بازرگان، تسخیر سفارت آمریکا، "رهبری دانشجویان پیرو خط امام"، سقوط دولت بازرگان، جنگ ایران و عراق، "انقلاب فرهنگی"، سرکوب، اعدام و کشتار آزادیخواهان و نیروهای مترقی چه مواضعی را اتخاذ کردند؟ چه گفتند و چه نوشتند؟ و امروز چه میگویند و چه مینویسند؟ آیا میتوان همه اینها را فراموش کرد؟ متأسفانه هر فرد، گروه یا سازمانی مہارت عجیبی پیدا کرده که سوابق گذشته سیاسی خود را بری از انتقاد جلوه دهد و تمام هم خود را بکار میبرد تا اشتباهات و انتقادات گذشته را بپوشاند. اکثر همه به این بیماری مبتلا هستیم. و همهمید و استثناء مواضع سیاسی و اعتقادی خود را بارها و بارها تغییر میدهد و هر روز به رنگی در میآیم. بسد و ن اینکه علت این تغییر مواضع را برای مرد روشن کنیم. روشن - فکران و رهبران ما در خوابند و تمید اند که مرد سخنانهای گذشته و مواضع سیاسی تک تک افرادی را که ادعای رهبری دارند، بدقت مورد ارزیابی قرار میدهند و انسان نمیتواند هر چند رهم زیرک و مہارت بخرج دهد از عان کند که گذشته‌ای وجود نداشته و مانند کبکی که سرد ربرف فرورد هانکار کند که چنین مواضعی از جانب وی در گذشته اتخاذ نشد هاست. ما اکنون در شرایطی بسر میبریم که مرد مهوشیار شد هاند و کسی را نمیتوان با شعارها و سخنان بن محتوی برای مدت زیادی فریب داد. بنابراین محال است روشنفکران ما بد و ن بررسی را و طلبانه از گذشته سیاسی خود و مداوای بیماریهای مختلفی که بدانها اشاره شد، بتوانند در مسیر صحیح مبارزات و مکرراتیک قرار گرفته و با تکابه حقیقتی که بر اساس واقعیات ایران استوار است، در راه آزادی ایران گام بردارند. این اولین قدم از راه طولانی و پر پیچ و خمی است که هر آزادیخواه خواهی نخواهی میبایست طی کند. چه نیکوست که این اولین قدم را و طلبانه برداریم و با آموختن از سرنوشت کسانی که هرگز به این امر مهم مبادرت نوزیدند، در مقابل مردم ایران کمر همت به انتقاد از خود و نتیجه گیری صادقانه از گذشته سیاسی خویش بریندیم. زیرا این یک امر شخصی و کوچکی نیست که بتوان با زرنگی و آرای از کسارش گذشت، آزاد ه و آزاد یخواه بود و در مسیری نیمه مون ه، ناشناخته، بزرگ و صعب العبور قدمه پیش گذارد و راه را گشود. تنها آن کسانی میتوانند در این راه قدمه گذارند که خود را از زنگار



## ♦♦♦ وظیفه آزادیخواهان

اشتباهات، کج رویها، "چپ رویها" و راست رویهای گذشته بزد آیند و آنها را بد و نترس و وا همه عیان کنند.

### یادداشتها

۱ - ویلیام - اچ - سالیوان : آخرین سفیر کبیر آمریکا در ایران از ژوئن ۱۹۷۷ تا آوریل ۱۹۷۹ بود. سالیوان در هنگام ماموریتش در ایران تابع سیاستهای سازشکارانه سیروس ونس وزیر خارجه وقت آمریکا در جهت حمایت از استقرار رژیم جمهوری اسلامی بود. سالیوان در کتاب "ماموریت در ایران" میگوید: "در نوامبر ۱۹۷۸ طی گزارشی به واشنگتن تحت عنوان "اندیشیدن به آنچه چیزی که نمیتوان اندیشید"، بعضی از نظرات اساسی و تغییرات آنرا درباره ایران مورد بررسی قرار دادم. برای مثال خاطر نشان کردم که بر اساس آگاهی و تعلق موجود، ثبات گذشته ایران همواربرد و پایه سلطنت و مذاهب شیعه استوار بود. در پانزده سال گذشته استحکام پایه سلطنت موجب برپانگاهد اشتن کشور بود ولی اکنون که پایه سلطنت متزلزل گردیده است، چاره‌ای نیست مگر اینکه این ثبات با محکم نمودن پایه مذاهب تأمین گردد. . . . خطوط اساسی پیشنهاد من برای امر استوار بود که برای پایان بخشیدن به بحران کنونی در ایران و استقرار یک نظم نوین میبایست سازشی بین نیروهای مسلح و مذهبی بوجود آید و برای انجام چنین مصالحه‌ای نهنشاه بلکه دیگر فرماندهان و افسران ارشد نیز باید کشور را ترک کنند. . . . نظرم این بود که رهبری مذهبی و شخص خمینی ممکن است یک چنین برنامه‌ای را قبول کند و . . . و این از نقطه نظر مارا حلی رضایت بخش است." ص ۲۰۱ و ۲۰۲ نسخه انگلیسی

۲ - همانجا صفحه ۸

۳ - همانجا صفحه ۲۲۶

۴ - پیام آزادی شماره ۲۱ مرداد ۱۳۶۲ صفحه ۱۸ و ۱۹

۵ - همانجا صفحه ۱۹

۶ - همانجا صفحه ۱۹



مسائل مختلف ایران، "حکومت ۳۷ روزه بختیار" روی کار آمدن بازرگان، تسخیر سفارت آمریکا، "رهبری دانشجویان پیرو خط امام"، سقوط دولت بازرگان، جنگ ایران و عراق، "انقلاب فرهنگی"، سرکوب، اعدام و کشتار آزادیخواهان و نیروهای مترقی چه موضعی را اتخاذ کردند؟ چه گفتند و چه نوشتند؟ و امروز چه میگویند و چه مینویسند؟ آیا میتوان همه اینها را فراموش کرد؟ متأسفانه هر فرد، گروه یا سازمانی مهارت عجیبی پیدا کرده که سوابق گذشته سیاسی خود را بری از انتقاد جلوه دهد و تمام هم خود را بکار میبرد تا اشتباهات و انتقادات گذشته را بپوشاند. اگر همه به این بیماری مبتلا هستیم. و همهمه و استثناء، مواضع سیاسی و اعتقادی خود را بارها و بارها تغییر میدهد و هر روز به رنگی در میآیم. بسد و اینک علت این تغییر مواضع را برای مرد روشن کنیم. روشن - فکran و رهبران ما در خوابند و تمید اند که مرد سخنانهای گذشته و مواضع سیاسی تک تک افرادی را که ادعای رهبری دارند، بدقت مورد ارزیابی قرار میدهند و انسان نمیتواند هر چند رهم زیرک و مهارت بخرج دهد از عیان کند که گذشته‌ای وجود نداشته و مانند کبکی که سرد ربرف فرورد هانکار کند که چنین موضعی از جانب وی در گذشته اتخاذ نشد. ما اکنون در شرایطی بسر میبریم که مرد مهوشیار شد هاند و کسی را نمیتوان با شعارها و سخنان بن محتوی برای مدت زیادی فریب داد. بنابراین محال است روشنفکران ما بد و نبررسی را و طلبانه از گذشته سیاسی خود و مداوای بیماریهای مختلفی که بدانها اشاره شد، بتوانند در مسیر صحیح مبارزات و مکرراتیک قرار گرفته و با تکابه حقیقتی که بر اساس واقعیات ایران استوار است، در راه آزادی ایران گام بردارند. این اولین قدم از راه طولانی و پر پیچ و خمی است که هر آزادیخواه خواهی نخواهی میبایست طی کند. چه نیکوست که این اولین قدم را و طلبانه برداریم و با آموختن از سرنوشت کسانی که هرگز به این امر مهم مبادرت نوزیدند، در مقابل مردم ایران کمر همت به انتقاد از خود و نتیجه گیری صادقانه از گذشته سیاسی خویش بریندیم. زیرا این یک امر شخصی و کوچکی نیست که بتوان با زرنگی و آرای از کسارش گذشت، آزاد و آزاد یخواه بود و در مسیری نیمه مون، ناشناخته، بزرگ و صعب العبور قدمه پیش گذارد و راه را گشود. تنها آن کسانی میتوانند در این راه قدمه بگذارند که خود را از زنگار

## بیرامون جنگ

فشارهای گوناگون، مبارانه‌های مناطق مسکونی، کوچهای اجباری و... از جانب رژیم خمینی همچنان به مبارزات برحق خود بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ادامه میدهند. البته مخالفتها و نارضایتیهای مردم از جنگ سبب گردید هاست که اکنون رژیم نتواند همانند گذشته به تجهیز نیروی کافی برای ادامه جنگ بپردازد. در طی این مدت سردمداران و تشویرسینهای رژیم منتهای کوشش را بکاربرد هاند تا با یک توطئه دیگر مردم را فریب دهند. بهمین دلیل تاکید نمود هویان کردند که تنها شرط برای اتمام جنگ سقوط صدام و "حزب بعث عراق" میباشد و بدین ترتیب عملاً تمام راههای سلامت آمیز برای حل بحران جنگ و پایان دادن به آنرا بسته و ادامه جنگ را تنها راه گریز از این بحران میدانند. رفسنجانی در این مورد چنین بیان میکند:

"اگر ما یک یاد و ضربه کاری وارد کنیم و آنها بفهمند که میتواند نیمپیش برویم آنوقت آنها برای که صد امرانگه داشته اند به فکر آن خواهند افتاد که این غائله را زود تر ختم کنند. آنها امید دارند که این جنگ سه نفع ما تمام نشود و این امید را فقط بسا ضربه نظامی میشود از دل آنها خارج کرد و من فکر میکنم قبل از اینکه ما بیفد اد برسیم مسئله حل خواهد شد."

(۱۱ مهر ۶۳ کیهان)

اما ببینیم رژیم جمهوری اسلامی چرا و به چه انگیزه‌ای همچنان در ادامه جنگ مصراست؟ با وجود آنکه بارها هیقتهای مختلف برای میانجیگری و برقراری آتش بس بهد و کشور ایران و عراق سفر کرده اند و رژیم عراق همواره تمایل خود را برای صلح و مذاکره ابراز داشته است، در شرایطی که ادامه جنگ خطر بزرگی برای تمام منطقه و

صلح جهانی و بشریت محسوب میشود، در شرایطی که جنگ بخش عظیمی از بودجه کشور را به خود اختصاص داده و باعث گشته که مردم در وضع بد و اسفناک اقتصاد بیسرپرند و موج مخالفت با جنگ به اوج خود رسیده است - و در این مورد حتی بین جناحهای مختلف در درون حاکمیت اختلافات عمیقی وجود داشته و دارد - باید در یابیم که در پس مسئله جنگ چه منافعه حیاتی نهفته است که رژیم به هر ترتیب و با سرسختی آنرا ادامه میدهد. اعترافات رهبران رژیم در این مورد گویاترین نمونه میتواند باشد.

خانهای رئیس جمهور رژیم چنین اظهار میدارد:

"مسئله تاج و عراق به مرزهای ما که در حقیقت تاج و زبیه اسلام و انقلاب و مساله‌ای است که اگر ما پاسخ قاطع خود مان را به آن ندیم رژیم جمهوری اسلامی تضمینی برای ماندن ندارد." (کیهان ۱ مهر ۶۳)

رفسنجانی نیز در طی حمله‌ای که برای آزاد کردن ارتفاعات میمک به عمل آمد میبود چنین گفت:

"حمله ما دارای ماهیت سیاسی است هدف ما گرفتن یک قطعه زمین در خاک عراق نیست. ما حمله‌ای میخواستیم بکنیم که کار عراق را یکسره کرد و کار حزب بعث را تمام نماییم و کشورهای منطقه باید از همین دو حرکت کوچک پند بگیرند و دست از حمایت از این مزدور جهانی بردارند تا در کنار ما در امنیت زندگی کنند که در آن صورت ناامنی فقط برای اسرائیل خواهد بود." (اطلاعات ۲۸ مهر ۶۳)

ماهیت رژیم ضد انسانی خمینی که بدون اتکا به قدرتهای خارجی لحظه‌ای نمیتواند به روی پای خود بایستد، جز تاج و زهرج و

مرج، کشتار و نابودی انسانها، تهدید و بدخالت در امور کشورهای دیگر و اعزاز تروریست به کشورهای مختلف و... نمیتواند باشد و تنها هدفش نیز آزادانه جنگ بقای رژیم خود، ایجاد آشوب و تشنج و وجود آوردن رژیمهای از نوع "جمهوری اسلامی" در منطقه میباشد.

اما رژیم خمینی چگونه و با چه پشتوانه‌ای چنین جنگ پیچیده‌ای که در آن انواع و اقسام سلاحهای پیشرفته بکار میرود، را ادامه میدهد؟ آیا حکومت خمینی بنا بر اظهارات رهبرانش "مستقل" است و میتواند به تنهایی چنین جنگ پیچیده‌ای که سلاحهای مخرب و پیشرفته‌ای در سطح وسیع آن بکار گرفته میشود را ادامه دهد؟

چندی پیش موسوی نخست وزیر رژیم در قسمتی از مصاحبه خود با خبرنگاران داخلی و خارجی چنین بیان میکند:

"در نظام ارزشی انقلاب مانفوز هر یک از برقد رتھانی شد هاست. ما میخواستیم مستقل باشیم و تا کنون نیز ثابت کرد ه ایم که میتوان بد و ن وابستگی به شرق و غرب با مشکلات مقابله نمود."

(۲ مهر ۶۳ کیهان)

و یاد رجای دیگر میگوید:

"رژیم جمهوری اسلامی مستقل ترین کشور جهان است."

واقعیات و حقایق بشمار نشان میدهد که گفته‌های رهبران رژیم شمار هسای توخالی بیش نیست. رژیم کپایه و اساس بقای حکومت خود را از یکطرف در نابودی آزاد ای و دیگر مکراسی قرار داده و از طرف دیگر با تاراج دادن نفت در بازارهای آزاد - به تاملین بودجه نظامی خود پرداخته و زهر نظر وابسته به قدرتهای خارجی است،

## بیرامون جنگ

فشارهای گوناگون، مبارانه‌های مناطق مسکونی، کوچهای اجباری و... از جانب رژیم خمینی همچنان به مبارزات برحق خود بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ادامه میدهند. البته مخالفتها و نارضایتیهای مردم از جنگ سبب گردید هاست که اکنون رژیم نتواند همانند گذشته به تجهیز نیروی کافی برای ادامه جنگ بپردازد. در طی این مدت سردمداران و تشویرسینهای رژیم منتهای کوشش را بکاربرد هاند تا با یک توطئه دیگر مردم را فریب دهند. بهمین دلیل تاکید نمود هویان کردند که تنها شرط برای اتمام جنگ سقوط صدام و "حزب بعث عراق" میباشد و بدین ترتیب عملاً تمام راههای سلامت آمیز برای حل بحران جنگ و پایان دادن به آنرا بسته و ادامه جنگ را تنها راه گریز از این بحران میدانند. رفسنجانی در این مورد چنین بیان میکند:

"اگر ما یک یاد و ضربه کاری وارد کنیم و آنها بفهمند که میتواند نیمپیش برویم آنوقت آنها برای که صد امرانگه داشته اند به فکر آن خواهند افتاد که این غائله را زود تر ختم کنند. آنها امید دارند که این جنگ سه نفع ما تمام نشود و این امید را فقط بسا ضربه نظامی میشود از دل آنها خارج کرد و من فکر میکنم قبل از اینکه ما بیفد اد برسیم مسئله حل خواهد شد."

(۱۱ مهر ۶۳ کیهان)

اما ببینیم رژیم جمهوری اسلامی چرا و به چه انگیزه‌ای همچنان در ادامه جنگ مصراست؟ با وجود آنکه بارها هیقتهای مختلف برای میانجیگری و برقراری آتش بس بهد و کشور ایران و عراق سفر کرده اند و رژیم عراق همواره تمایل خود را برای صلح و مذاکره ابراز داشته است، در شرایطی که ادامه جنگ خطر بزرگی برای تمام منطقه و

صلح جهانی و بشریت محسوب میشود، در شرایطی که جنگ بخش عظیمی از بودجه کشور را به خود اختصاص داده و باعث گشته که مردم در وضع بد و اسفناک اقتصاد بیسرپرند و موج مخالفت با جنگ به اوج خود رسیده است - و در این مورد حتی بین جناحهای مختلف در درون حاکمیت اختلافات عمیقی وجود داشته و دارد - باید در یابیم که در پس مسئله جنگ چه منافعه حیاتی نهفته است که رژیم به هر ترتیب و با سرسختی آنرا ادامه میدهد. اعترافات رهبران رژیم در این مورد گویاترین نمونه میتواند باشد.

خانهای رئیس جمهور رژیم چنین اظهار میدارد:

"مسئله تاج و عراق به مرزهای ما که در حقیقت تاج و زبیه اسلام و انقلاب و مساله‌ای است که اگر ما پاسخ قاطع خود مان را به آن ندیم رژیم جمهوری اسلامی تضمینی برای ماندن ندارد." (کیهان ۱ مهر ۶۳)

رفسنجانی نیز در طی حمله‌ای که برای آزاد کردن ارتفاعات میمک به عمل آمد میبود چنین گفت:

"حمله ما دارای ماهیت سیاسی است هدف ما گرفتن یک قطعه زمین در خاک عراق نیست. ما حمله‌ای میخواستیم بکنیم که کار عراق را یکسره کرد و کار حزب بعث را تمام نماییم و کشورهای منطقه باید از همین دو حرکت کوچک پند بگیرند و دست از حمایت از این مزد ورج جهانی بردارند تا در کنار ما در امنیت زندگی کنند که در آن صورت نا امنی فقط برای اسرائیل خواهد بود." (اطلاعات ۲۸ مهر ۶۳)

ماهیت رژیم ضد انسانی خمینی که بدون اتکا به قدرتهای خارجی لحظه‌ای نمیتواند به روی پای خود بایستد، جز تاج و زهرج و

مرج، کشتار و نابودی انسانها، تهدید و در حالت در امور کشورهای دیگر و اعزاز تروریست به کشورهای مختلف و... نمیتواند باشد و تنها هدفش نیز از ادامه جنگ بقای رژیم خود، ایجاد آشوب و تشنج و وجود آوردن رژیمهای از نوع "جمهوری اسلامی" در منطقه میباشد.

اما رژیم خمینی چگونه و با چه پشتوانه‌ای چنین جنگ پیچیده‌ای که در آن انواع و اقسام سلاحهای پیشرفته بکار میرود، را ادامه میدهد؟ آیا حکومت خمینی بنا بر اظهارات رهبرانش "مستقل" است و میتواند به تنهایی چنین جنگ پیچیده‌ای که سلاحهای مخرب و پیشرفته‌ای در سطح وسیع آن بکار گرفته میشود را ادامه دهد؟

چندی پیش موسوی نخست وزیر رژیم در قسمتی از مصاحبه خود با خبرنگاران داخلی و خارجی چنین بیان میکند:

"در نظام ارزشی انقلاب مانفون هر یک از برقد رتھانی شد هاست. ما میخواستیم مستقل باشیم و تا کنون نیز ثابت کرد ه ایم که میتوان بد و ن وابستگی به شرق و غرب با مشکلات مقابله نمود."

(۲ مهر ۶۳ کیهان)

و یاد رجای دیگر میگوید:

"رژیم جمهوری اسلامی مستقل ترین کشور جهان است." و اقمیات و حقایق بشمار نشان میدهد که گفته‌های رهبران رژیم شمار هسای تو خالی بیش نیست. رژیم کپایه و اساس بقای حکومت خود را از یکطرف در نابودی آزاد ی و د مکراسی قرار داده و از طرف دیگر با تاراج دادن نفت در بازارهای آزاد - به تاملین بود جه نظامی خود پرداخته و زهر نظر وابسته به قدرتهای خارجی است،

## پیرامون جنگ ♦♦♦

چنین رژی می هرگز نمیتواند مستقل و متکی به خود باشد. نمونه‌ای روشن از روابط اقتصاد رژی براد را با کشورهای اسرائیل میتوان مثال زد. در حالیکه سردمداران رژی با بوق و کرنای فراوان در مبارزه با اسرائیل میزنند و بارها بیان کرده‌اند که: "سقوط صدام در منطقه خیلی اثر دارد، یعنی نجات منطقه از نظر ما بیه سقوط صدام بستگی دارد. اولین اثرش این است که یکپارچگی برای مبارزه با اسرائیل بوجود خواهد آمد و جنبه شرقی مبارز با اسرائیل آنچنان نیرومند میشود که من فکر میکنم بعد از عراق نوبت اسرائیل میباشد." (رفسنجانی ۱۱ مهر ۶۳ کیهان)

و یا "ما سعی میکنیم که همه نیروهای خود را بسیج نمایم تا حرف آخر را برای نابودی آمریکا و اسرائیل بزنیم."

(رفیق دوست ۱۱ مهر ۶۳ کیهان)

اما واقعیات عملکردهای رژی خمینی عکس شعارهای به اصطلاح ضد امپریالیستی آنها میباشد. در حالیکه رژی در آزادی قدس، اخراج اسرائیل از سازمان ملل، نابودی اسرائیل و... میزند، مدت‌هاست که بر همگان عیان گردیده که چگونه با اسرائیل قراردادهای پنهانی خرید اسلحه بسته و از آن کشور اسلحه دریافت کرده‌است و همچنین میدانیم که اسرائیل در اوایل جنگ ایران و عراق تاسیسات اتمی کشور عراق را بمباران کرد و در واقع از این طریق عملاً با رژی ایران در بحبوحه جنگ همکاری نمود. و از طرف دیگر رژی جمهوری اسلامی قرارداد های بیشمار خرید اسلحه را با کشورهای مختلف بصورت محرمانه منعقد مینماید. بنابراین همانگونه که می بینیم رژی با تکیه بر حمایت قدرتهای خارجی و دریافت سلاحهای

مختلف است که این جنگ را ادامه میدهد در شرایطی که رژیم خمینی با عمد و با اصلی قرار دادن مسئله جنگ به ایجاد جو خفقان و سرکوب دست زد و به تحکیم نهاد های حکومتی خود پرداخته و با مطرح نمودن شعارهای دروغینی چون "جنگ ملی و میهنی" "جنگ بر حسق و عادلانه" "جنگ اسلام بر علیه کفر" "راه قدس از کربلا میگذرد" و... یکی از بیرحمانهترین و نا عادلانهترین جنگها را در منطقه برپا نمود و به شدت تمام آنرا ادامه میدهد، وظایف آزادیخواهان چه میتواند باشد؟!

یکی از مهمترین وظایف و مسئولیتهای آزادیخواهان ایران در هم شکستن توطئه‌ها و نیات پلید رژیم جمهوری اسلامی در ادامه جنگ ایران و عراق است. متأسفانه هنوز هم اینجا و آنجا، نیروها و افرادی وجود دارند که در دام شمارهای پوچ و تو خالی رژیم خمینی در غلطیده و این جنگ را جنگ "ملی و میهنی" قلمساز می نمایند و پس از ۴ سال بی به توطئه‌های رژیم نبرد و بی‌منافع آنها ایجاب نمیکند که حقایق را ببینند. در صورتیکه مردم ستمدیده و بی‌تنگ آمد از جنگ، جنگی که جز تباهی، نیستی، آوارگی، مرگ و... چیز دیگری بهارمغان نیاورده، در شرایط و جو خفقان حاکم بر کشور، بارها در مناطق جنگ زد مظاهرات ضد جنگ برپا نمود و خشم و انزجار خود را از ادامه جنگی که به تشبیه رژیم کمک میکند، نشان دادند.

در طی بیش از ۴ سال گذشته در حد و دیک میلیون تن در اثر این جنگ کشته و مجروح شده‌اند و تعداد کثیری اسیر و معلول جنگی وجود دارد و همچنین

در حد و ۲ میلیون نفر از هموطنان ما از خانه و کاشانه خود آواره شدند و در وضع بسیار بد و اسف باری زندگی میکنند و بعداً فاجعه آمیز جنگ روز بروز وسیعتر میگردد، هنگامیکه موج مخالفتها بر علیه جنگ و حمایت از صلح روز بروز شدت مییابد و رژیم جمهوری اسلامی خود نیز از آن دارد که یکی از عوامل بقا و دوام حکومتش در ادامه جنگ میباشد و از اینکه منطقه را به آشوب کشاند و باعث هرج و مرج هر چه بیشتر شد و بیای قدرتهای خارجی را به منطقه بکشاند هیچ ابائی ندارد، در چنین شرایطی سعی و کوشش فرد فرد آزادیخواهان در راه خنثی کردن توطئه‌های رژیم و تلاش برای ایجاد صلح نقش موثری میتواند داشته باشد. نیروها و دولت‌های نیز که خطر ادامه این جنگ را احساس میکنند، میتوانند با تحریم خرید نفت از نظر اقتصادی رژیم ایران را فلج نمود و باعث ارسال سلاحهای جنگی به منزوی تر کردن رژیم در سطح بین المللی کمک نمایند. نتایج چنین اعمالی مسلماً تأثیر بسزایی در پایان بخشیدن به این جنگ خانمانسوز خواهد داشت.

بهمن خسروی س - بزرگمهر



KAMALI  
B.P. 63  
92220 BAGNEUX  
CEDEX, FRANCE

## پیرامون جنگ ♦♦♦

چنین رژی می هرگز نمیتواند مستقل و متکی به خود باشد. نمونه‌ای روشن از روابط اقتصاد رژی برادر رابطه با کشور اسرائیل میتوان مثال زد. در حالیکه سردمداران رژی با بوق و کرنای فراوان در مبارزه با اسرائیل میزنند و بارها بیان کرده‌اند که: "سقوط صدام در منطقه خیلی اثر دارد، یعنی نجات منطقه از نظر مابسه سقوط صدام بستگی دارد. اولین اثرش این است که یکپارچگی برای مبارزه با اسرائیل بوجود خواهد آمد و جنبه شرقی مبارزه با اسرائیل آنچنان نیرومند میشود که من فکر میکنم بعد از عراق نوبت اسرائیل میباشد." (رفسنجانی ۱۱ مهر ۶۳ کیهان)

و یا "ما سعی میکنیم که همه نیروهای خود را بسیج نمایم تا حرف آخر را برای نابودی آمریکا و اسرائیل بزنیم."

(رفیق دوست ۱۱ مهر ۶۳ کیهان)

اما واقعیات عملکردهای رژیم خمینی عکس شعارهای به اصطلاح ضد امپریالیستی آنها میباشد. در حالیکه رژیم در آزادی قدس، اخراج اسرائیل از سازمان ملل، نابودی اسرائیل و... میزند، مدت‌هاست که بر همگان عیان گردیده که چگونه با اسرائیل قراردادهای پنهانی خرید اسلحه بسته و از آن کشور اسلحه دریافت کرده‌است و همچنین میدانیم که اسرائیل در اوایل جنگ ایران و عراق تاسیسات اتمی کشور عراق را بمباران کرد و در واقع از این طریق عملاً با رژیم ایران در بحبوحه جنگ همکاری نمود. و از طرف دیگر رژیم جمهوری اسلامی قرارداد های بیشمار خرید اسلحه را با کشورهای مختلف بصورت محرمانه منعقد مینماید. بنابراین همانگونه که می بینیم رژیم با تکیه بر حمایت قدرتهای خارجی و دریافت سلاحهای

مختلف است که این جنگ را ادامه میدهد در شرایطی که رژیم خمینی با عمد و با اصلی قرار دادن مسئله جنگ به ایجاد جو خفقان و سرکوب دست زد و نه تحکیم نهاد های حکومتی خود پرداخته و با مطرح نمودن شعارهای دروغینی چون "جنگ ملی و میهنی" "جنگ بر حسق و عادلانه" "جنگ اسلام بر علیه کفر" "راه قدس از کربلا میگذرد" و... یکی از بیرحمانهترین و نا عادلانهترین جنگها را در منطقه برپا نمود و به شدت تمام آنرا ادامه میدهد، وظایف آزادیخواهان چه میتواند باشد؟!

یکی از مهمترین وظایف و مسئولیتهای آزادیخواهان ایران در هم شکستن توطئه‌ها و نیات پلید رژیم جمهوری اسلامی در ادامه جنگ ایران و عراق است. متأسفانه هنوز هم اینجا و آنجا، نیروها و افرادی وجود دارند که در دام شمارهای پوچ و تو خالی رژیم خمینی در غلطیده و این جنگ را جنگ "ملی و میهنی" قلمساز می نمایند و پس از ۴ سال بی به توطئه‌های رژیم نبرد و بی‌منافع آنها ایجاب نمیکند که حقایق را ببینند. در صورتیکه مردم ستمدیده و بی‌تنگ آمد از جنگ، جنگی که جز تباهی، نیستی، آوارگی، مرگ و... چیز دیگری بهارمغان نیاورده، در شرایط و جو خفقان حاکم بر کشور، بارها در مناطق جنگ زد مظاهرات ضد جنگ برپا نمود و خشم و انزجار خود را از ادامه جنگی که به تشبیه رژیم کمک میکند، نشان دادند.

در طی بیش از ۴ سال گذشته در حد و یک میلیون تن در اثر این جنگ کشته و مجروح شده‌اند و تعداد کثیری اسیر و معلول جنگی وجود دارد و همچنین

در حد و ۲ میلیون نفر از هموطنان ما از خانه و کاشانه خود آواره شدند و در وضع بسیار بد و اسف باری زندگی میکنند و بعداً فاجعه آمیز جنگ روز بروز وسیعتر میگردد، هنگامیکه موج مخالفتها بر علیه جنگ و حمایت از صلح روز بروز شدت مییابد و رژیم جمهوری اسلامی خود نیز از آن دارد که یکی از عوامل بقا و دوام حکومتش در ادامه جنگ میباشد و از اینکه منطقه را به آشوب کشاند و باعث هرج و مرج هر چه بیشتر شد و بیای قدرتهای خارجی را به منطقه بکشاند هیچ ابائی ندارد، در چنین شرایطی سعی و کوشش فرد فرد آزادیخواهان در راه خنثی کردن توطئه‌های رژیم و تلاش برای ایجاد صلح نقش موثری میتواند داشته باشد. نیروها و دولت‌های نیز که خطر ادامه این جنگ را احساس میکنند، میتوانند با تحریم خرید نفت از نظر اقتصادی رژیم ایران را فلج نمود و باعث ارسال سلاحهای جنگی به منزوی تر کردن رژیم در سطح بین المللی کمک نمایند. نتایج چنین اعمالی مسلماً تأثیر بسزایی در پایان بخشیدن به این جنگ خانمانسوز خواهد داشت.

بهمن خسروی س - بزرگمهر



KAMALI  
B.P. 63  
92220 BAGNEUX  
CEDEX, FRANCE

## آموزش عالی در ایران

نوشته حاضر با استفاد از تجربیات یکی از دوستان ما که خود در بطن مسائل حاضر و ناظر بوده، تهیه و تنظیم شده است.

امر خطیر تعلیم و تربیت و وضع آموزش و پرورش در میهن در پندمان، تحت سلطه رژیم جمهوری اسلامی بسیار می باشد. رژیم فاشیستی - مذهبی جمهوری اسلامی که تنها مروج و مبلغ تاریک اندیشی، جهل و خرافات است، مسلمانان را با علم و فرهنگ و هنر دشمنی آشتی - ناپذیری دارد. در نتیجه مراکز علمی و فرهنگی کشورمان بعد از اندک زمانیکه از استقرار رژیم اسلامی گذشت، مورد یورش وحشیانه ترین حملات واقع گردید و سانسور و خفقان بینظیری تحت عناوین گوناگونی آغاز گشت. در این نوشته وضع آموزش عالی و دانشگاههای کشورمان مورد بررسی قرار میگیرد و برداختن به چگونگی سایر دوره های آموزشی به فرصتی دیگر موکول میگردد.

### "بازگشایی دانشگاهها"

علی رغم کوششهای فراوان گردانندگان رژیم و برنامه ریزیهای بسیاری که در جهت کنترل، "تصفیه" و "پاکسازی" گروهها و نیروهای آزاد یخواه و مخالف در دانشگاهها صورت گرفت، ولی پس از گذشت حدود دو سال و نیم از فاجعه "انقلاب فرهنگی" این طرح عملاً به بن بست رسید. البته باید گفت رژیم از یکطرف به علت نیاز شدید به افراد تحصیل کرده و متخصص برای اداره امور و از طرف دیگر برای اینکه در سطح داخلی و بین المللی

خود را علاقمند و طرفدار علم و دانش جلوه دهد، تصمیم به بازگشایی دانشگاهها را گرفت. همچنین یکی دیگر از علل این بازگشایی را میتوان رهاش ازین بسست مشکلات موجود در این زمینه و سرگرم و کنترل کردن تعداد کثیری از جوانان و فروکش نمودن پاره های از اختلافات و اعتراضات دانست. خمینی که زمانی گفته بود:

"برای بوجود آوردن دانشگاه جدید با موازین اسلامی ۴۰۰ سال وقت لازم است."

بنابراین اقدامات مشاوران خویش در جهت تثبیت موقعیت متزلزل رژیم فتوی های تازه ای صادر نمود:

"باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاههای سراسر کشور بوجود آید و شورای فرهنگی با کمک مستضعفان و دانشمندان دانشگاهها را بکارندارتند." (اطلاعات ۱/۶/۶۱)

و بدین ترتیب سایر مسئولین رژیم نیز در مورد لزوم و ضرورت گشایش دانشگاهها داد سخن راندند. و در جهت اجرای مقاصد خود با معیارها و موازین جدید جنجال بازگشایی دانشگاهها را برآه انداختند. تعطیلی رسمی دانشگاهها که در تاریخ ۱۵ خرداد ۵۹ صورت گرفته بود، به پایان رسید. در حد و بهمن ماه سال ۶۰ ابتدا تعدادی از دانشجویان ترم آخر دعوت به ثبت نام شدند. اما باز شدن مجدد دانشگاهها و مدارس عالی بطور سراسری در دی ماه و بهمن ماه سال ۶۱ صورت گرفت. این دوره و شیوه های که رژیم برای انتخاب دانشجویان بکاربرد و میبرد، ماهیت ضد مردمی رژیم

خمینی را عیانتر میسازد. بازگشایی دانشجویان شامل مراحل مختلف بود. در نیم سال دوم ۶۱ حدوداً اوایل آذرماه از طریق رسانه های گروهی اعلام شد که کلیه دانشجویان برای ثبت نام به دانشگاههای مربوطه مراجعه نمایند. "هفت خوان" ورود به دانشگاهها آغاز شد و شامل مراحل زیر بود:

### تفتیش عقاید

- مرحله اول، شامل پرس کردن پرسشنامه های ۸ صفحه ای برای کلیه دانشجویان بود. در ذیل نمونه هایی از سئوالات پرسشنامه مذکور آورده میشود:
- ۱- نظر خود را راجع به "انقلاب اسلامی" و "انقلاب فرهنگی" بنویسید.
- ۲- فعالیت های صغری و سیاسی خود را قبل و بعد از "انقلاب" در دانشگاه و سایر محیط های اجتماعی شرح دهید.
- ۳- نام ۲ تن از دوستان صمیمی و ۲ تن از دوستان هم رشته ای خود را که شماره دقیقاً می شناسند بازگردان بنویسید.
- ۴- مشخصات افراد خانواده اتان را به طور دقیق و کامل شرح دهید.
- ۵- نظرتان را راجع به گروه های مختلف بنویسید.
- ۶- آیا بنظر شما باید به تمام دانشجویان اجازه ورود به دانشگاه را داد یا خیر؟
- ۷- آیا از اقوام رجهیک یا افراد فامیل شما کسی "شهید" شده است، نام ببرید.
- ۸- آیا از اقوام رجهیک یا افراد فامیل شما کسی زندانی است یا بود و آزاد شده، نام ببرید.

## آموزش عالی در ایران

نوشته حاضر با استفاد از تجربیات یکی از دوستان ما که خود در بطن مسائل حاضر و ناظر بوده، تهیه و تنظیم شده است.

امر خطیر تعلیم و تربیت و وضع آموزش و پرورش در میهن در پندمان، تحت سلطه رژیم جمهوری اسلامی بسیار می باشد. رژیم فاشیستی - مذهبی جمهوری اسلامی که تنها مروج و مبلغ تاریک اندیشی، جهل و خرافات است، مسلمان با علم و فرهنگ و هنر دشمنی آشتی - ناپذیری دارد. در نتیجه مراکز علمی و فرهنگی کشور مان بعد از اندک زمانیکه از استقرار رژیم اسلامی گذشت، مورد یورش وحشیانه ترین حملات واقع گردید و سانسور و خفقان بینظیری تحت عناوین گوناگونی آغاز گشت. در این نوشته وضع آموزش عالی و دانشگاههای کشورمان مورد بررسی قرار میگیرد و برداختن به چگونگی سایر دوره های آموزشی به فرصتی دیگر موکول میگردد.

### "بازگشایی دانشگاهها"

علی رغم کوششهای فراوان گردانندگان رژیم و برنامه ریزیهای بسیاری که در جهت کنترل، "تصفیه" و "پاکسازی" گروهها و نیروهای آزاد یخواه و مخالف در دانشگاهها صورت گرفت، ولی پس از گذشت حدود دو سال و نیم از فاجعه "انقلاب فرهنگی" این طرح عملاً به بن بست رسید. البته باید گفت رژیم از یکطرف به علت نیاز شدید به افراد تحصیل کرده و متخصص برای اداره امور و از طرف دیگر برای اینکه در سطح داخلی و بین المللی

خود را علاقمند و طرفدار علم و دانش جلوه دهد، تصمیم به بازگشایی دانشگاهها را گرفت. همچنین یکی دیگر از علل این بازگشایی را میتوان رهاش ازین بسست مشکلات موجود در این زمینه و سرگرم و کنترل کردن تعداد کثیری از جوانان و فروکش نمودن پاره های از اختلافات و اعتراضات دانست. خمینی که زمانی گفته بود:

"برای بوجود آوردن دانشگاه جدید با موازین اسلامی ۴۰۰ سال وقت لازم است."

بنابراین اقدامات مشاوران خویش در جهت تثبیت موقعیت متزلزل رژیم فتوی های تازه ای صادر نمود:

"باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاههای سراسر کشور بوجود آید و شورای فرهنگی با کمک مستضعفان و دانشمندان دانشگاهها را بکارندارتند." (اطلاعات ۱/۶/۶۱)

و بدین ترتیب سایر مسئولین رژیم نیز در مورد لزوم و ضرورت گشایش دانشگاهها داد سخن راندند. و در جهت اجرای مقاصد خود با معیارها و موازین جدید جنجال بازگشایی دانشگاهها را برآه انداختند. تعطیلی رسمی دانشگاهها که در تاریخ ۱۵ خرداد ۵۹ صورت گرفته بود، به پایان رسید. در حد و بهمن ماه سال ۶۰ ابتدا تعدادی از دانشجویان ترم آخر دعوت به ثبت نام شدند. اما باز شدن مجدد دانشگاهها و مدارس عالی بطور سراسری در دی ماه و بهمن ماه سال ۶۱ صورت گرفت. این دوره و شیوه های که رژیم برای انتخاب دانشجویان بکاربرد و میبرد، ماهیت ضد مردمی رژیم

خمینی را عیانتر میسازد. بازگشایی دانشجویان شامل مراحل مختلف بود. در نیم سال دوم ۶۱ حدوداً اوایل آذرماه از طریق رسانه های گروهی اعلام شد که کلیه دانشجویان برای ثبت نام به دانشگاههای مربوطه مراجعه نمایند. "هفت خوان" ورود به دانشگاهها آغاز شد و شامل مراحل زیر بود:

### تفتیش عقاید

- مرحله اول، شامل پرس کردن پرسشنامه های ۸ صفحه ای برای کلیه دانشجویان بود. در ذیل نمونه هایی از سئوالات پرسشنامه مذکور آورده میشود:
- ۱- نظر خود را راجع به "انقلاب اسلامی" و "انقلاب فرهنگی" بنویسید.
- ۲- فعالیت های صغری و سیاسی خود را قبل و بعد از "انقلاب" در دانشگاه و سایر محیط های اجتماعی شرح دهید.
- ۳- نام ۲ تن از دوستان صمیمی و ۲ تن از دوستان هم رشته ای خود را که شماره دقیقاً می شناسند بازگردان بنویسید.
- ۴- مشخصات افراد خانواده اتان را به طور دقیق و کامل شرح دهید.
- ۵- نظرتان را راجع به گروه های مختلف بنویسید.
- ۶- آیا بنظر شما باید به تمام دانشجویان اجازه ورود به دانشگاه را داد یا خیر؟
- ۷- آیا از اقوام رجهیک یا افراد فامیل شما کسی "شهید" شده است، نام ببرید.
- ۸- آیا از اقوام رجهیک یا افراد فامیل شما کسی زندانی است یا بود و آزاد شده، نام ببرید.